

قبل وزیر خارجه و مشغول کار بوده تا وقتیکه در دسامبر ۱۹۱۰ (ذی حجه ۱۳۲۸) بواسطه سلوک توهمین آمبر سفارتین روس و انگلیس مجبور باستعفاء و ترک خدمت هلیکی خود گردید. و از آن روز به بعد آن راد مرد در صورتیکه صراحتاً از قبول متاعل رسی انکار داشت همواره بدون موقع و سبب برای سعادت و بهبودی حالات ایران مشغول با اقدامات بود *

سنّ معزی الیه بجهاد و بیج ولی با بشره و ظاهر بسیار ممتازی بود تحصیل و تربیت کامل اروپائی را نیز دارا و زبان انگلیسی و فرانسه و فارسی را در نهایت خوبی و سهولت علی السواء مکالمه می نمود چیزیکه از همه بیشتر باعث خصوصیت و بیانت و تمجید معزی الیه گردیده این بود که به تدین کامل در امور دولتی و شخصی معروف و شخصاً از حزب سیاسی دیوکرات بوده و حقیقتاً رئیس معوی حرب مربرر شناخته میشد اگر چه بسیاری از مردمان دیگر چه در مجلس و چه خارج از مجلس خود را بیشتر از مشار الیه جلوه و نمایش میدادند در مقام مدت آشنائی من با مشار الیه تا روزی که از ایران خارج شده او را شخص محترم بلذت همت با حوصله و وطن دوستی دیدم که برای خدمت کردن و فایده رسانیدن بوطن خویش همواره خود را وقف نموده بود *

درین مذاکراتیکه در منزل نواب واقع شد یفرم اظهار نمود که همان روز صبح حکمی از طرف هیئت وزراء باور رسیده که باید تقریباً بیست نفر از ارتجاعیون معروف که صورت اسامی ایشان را معین نموده اند دستگیر نماید ولی يك ساعت قبل از آنکه حکم مزبور بوضع اجرا گذارده شود سبهدار (که نا آنوقت رای صرف نام رئیس الوزراء بود) یفرم را بای تلفون طلبیده و امر کرد که حکم مزبور موقوف و ملتوی بماند در آن اثناء یکی از صاحب مناصبات یفرم آمده و راپورت داد که پلیس شخصی را موسوم بنظام السلطنه بانضمام عدّه دیگری از ارتجاعیون دستگیری نموده ولی خود شان اظهار نمودند که حسب الامر سبهدار مشغول مرتب نمودن فتون دلوطنیس بوده اند یفرم گفت سبهدار بی تمبه حکم با استعلاص استخاص مزبور خواهد نمود و در صورتیکه امر او را مخالفت نموده و حکمت را امتثال نکنم چون سبهدار با بعضی از ملاها و وابط دوستانه دارد شاید مرا باین عنوان که کافر بیایتم بد نام و لکه دار نموده و باین وسیله خود را در نظر صامی از حسلانان نهران و شخص اول قلم دهد عقیده یفرم این بود که باید خود سبهدار را دستگیر نمود ولی بملاحظه انهم در آن امر

تردید داشت *

در خصوص طرح و نقشه تشکیل ژاندارمری خزانه با یفرم گفتگو نمودم. مشار
 الیه بواسطه صداقت و ساده دلی که داشت از آن مذاکره بدنگان شده که شاید در
 ضمن این تشکیل خیال تقسیم ایران مرکوز خاطر روس و انگلیس باشد خصوصاً
 باین مناسبت که بنا بود مازور استوکس یصاحب منصبی فوج مزبور معین و مأور شود
 در آن ملاقات مذاکره و قرارداد فراهم نمودن و مرتب کردن فوج سواره مخصوص
 از داوطلبان که در تحت حکم و فرمان یفرم باشد بعمل آمد *

صبح روز بعد که بیست و سوم ژولیه (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۹) بود در محام
 السلطنه و ارباب کبخسرو برای مشورت و اظهار نقشه خیالات خود بیارک اتابک آمدند
 شخص اول شکایت مفصلی از مهادار کرد که شخص غدّار مکاری است و نائب
 السلطنه هم که ضعیف و متلون المزاج میباشد و گفت که نقشه برای اعلان اعدام یا
 دستگیری شاه مخلوع در وادراتش بکابینه اظهار کرده ولی وزیر معترض شده که می
 ترسند رأی او را به مجلس پیشنهاد کنند زیرا که آنگونه امور امور خلاف عادی بود
 و نیز کابینه به پیشنهاد کردن مسوده اخباریه از مجلس راجع به برقرار داشتن وظیفه
 مازور استوکس که مجبور شده بود پس از اختتام دوره خدمت در ایران از خدمت
 فوج انگلیس هند مستعفی شده و از آن تخیل دست بردار شود راضی گردید در محام
 السلطنه اظهار نمود که یامغبان تاگراف نموده سه هزار نفر بختیاری دیگر بمنعت طهران
 حرکت نمایند *

در این موقع اوضاع و حالات طهران آهسته آهسته روبه بدی گذارده و خیال
 حمایت شاه مخلوع رو به ازدیاد بود و کابینه جدید متفق علیهم هم که اعضاء آن نیز
 باهم متفق بوده و خیلی توقعات و امید و آرزوها به آن میرفت شکسته و در ز داو شد یعنی
 آن سه نفر اعدالی که سهدار و محتشم السلطنه و معاون الدوله باشند یا حصار فقر همکار
 دیگر خود که دیوکرات بودند علناً بنای مخالفترا گذاردند از طرف آن سه نفر در
 خصوص دستگیری و مجازات مفسدین معروفیکه آشکار و علی روس الاشهاد بر خلاف
 پیشرفت دولت مشروطه اقدامات میکردند قصور کلی واقع شد چیزیکه کارها را از
 همه بدتر و خراب تر نمود این بود که سهدار عمده معتمد بهی از وکلا مجلس را با خود
 هم رأی و هم عقیده گردانیده بود که از اقداماتیکه بر خلاف اصل و رأی او کرده میشد

منع و جلوگیری نمایند *

چون امر کرده بودم که با قصد تفر زائد ازم خزانه فوراً گرفته شود تا دو روز بعد
بفراهم نمودن ملبوس و تهیه اسلحه آنها صرف شد در این اثنا پاروسمای مردود حزب
مجلس شورئهای متعدده نمودم معلوم شد آنها هم کم کم منبسط شده اند که باید
اقدام قطعی برای حفظ موقع بعمل بیاید *

بیست و پنجم ژولیه (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۹) و کلاً مجلس با اکثریت ناه
رای باسراج و تبعید سیم دار و محشم السلطنه داده و فوراً هیئتی را نزد تائب السلطنه
فرستادند که از او استعفاي آن دو وزیر را خواهش کند و قبول شد آن اقدام قدری
هوای کدر اغتشاشات را صاف نمود از جمله اقداماتی که کرده شد این بود که کاپینه
جدیدی تشکیل بدهند که حقیقهً برای استقلال دولت مشروطه کار یکند *

عهد الدوله که دو روز قبل بتوسط مأمورین فرم گرفتار شده بود بواسطه اینکه
بر خلاف نظم و امنیت عمومی نخبین و افساد نموده بوجب حکم نظامی محکوم بدارزدن
و روز بیست و پنجم حکم تالش صادر شد قدری بوقت معین اجراء حکم مجبور باقی
بود که مراسم از سر جارج بار کئی وزیر مختار انگلیس بدولت ایران رسید که باید
شخص توقیف شده را قبل از مجازات استنطاق رسانه بنمایند و صراحتاً اظهار داشته که
سفارت انگلیس قتل مشارالیه را نمی پسندد علت آن اقدام این بود که عهد الدوله از
طرف دولت انگلیس نشان (K. S. M. L.) را دارا و آن نشان معلق بطبقه مخصوصی
بود و خود وزیر مختار هم آن نشان را دارا بود *

این مداخله اگر چه بی شبهه برخلاف مقصود اصلی سر جارج بار کئی بود لکن خیلی
بد بود زیرا که معدودی از مردمان چپولرا ایقان میداد که دولت انگلیس و روس در
باطن از اجراء نقشه های شاد مغلوب حمایت میکنند حتی اینکه فرم هم همین عقیده را
داشت و اینکه عهد الدوله را دستگیری کردند يك نفر زائد ازم و دو نفر نوکر عهد الدوله
کشته شد و یکی از آن دو نفر خدمتکار مشارالیه بود *

بیست و ششم ژولیه (بیست و نهم رجب ۱۳۲۹) کاپینه جدیدی بر حسب دلیل

تشکیل یافت -

مصمم السلطنه رئیس الوزرا و وزیر جنگ و ثوق الدوله : وزیر خارجه محکوم
الملك : وزیر مالیه مستبر الدوله : (برادر مؤمن الملك رئیس مجلس) وزیر عدليه علاه

روز بعد خبر رسید که پیش قراول امواج و اتباع محمد علی به چند مایلی شهر ساھرود که واقع در شمال شرقی پایتخت است رسیده اند. پیشکار الیه آنجا تلگراف کرد که از طرف شاهزاده شجاع السلطنه حکمی باور رسیده که بدون تأمل و تأخیر تمام ایالتی را که وصول و جمع نموده است بجا بکشد از طرف شاه مخلوع معین تهنه تسلیم نماید و تهدید نموده که چنانچه قمر از آن حکم غایب گشته خواهد شد آن مشروطه خواه و فادار خودش تلگراف مزبور را شوده و خواهش کرده بود که جوابش را بظایره نکنم زیرا که وصول جواب آن تلگراف سبب تعاش میبشد. روز بعد تلگراف نمود که چهار صد نفر ترکمان پنفته وارد شهر شده و تمام دفاتر دولتی و خانهای مردم را غارت نمودند. خود او با خانواده و متاعش فرار کرده و در خانه دوست او منایش پناه گزین شده است *

بیست و هشتم ژولیه (غره شعبان ۱۳۲۹) تمام وزراء نوشته قرار داد مستظفای مازور استوکس را امضا کردند و این ملاحظه توانستند مقدار کافی از سندهای استقراضی (۱۹۱۱) بانک شاهنشاهی را برای پرداختن وایقه اورور مذکور بخرم در صورتیکه استغای مشار الیه قبول شود *

در همان روز یکی از وکلای مجلس یکسر مدتی ایرانی را (که به بعضی ملاحظاتی از ذکر اسسش صرف نظر نموده ام) بن معرفی نموده و اطلاع داد که مشار الیه بر حسب گفته خودش از ملاقات « ویس فونسل » روس مقیم طهران مراجعت نموده و بهنگرید که « ویس فونسل » با اصرار کرد که برای جلب حمایت و خوشبودی دولت روس بنا را گشته و یا مسوم نماید زیرا که من « امشده های روس را در ایران درهم و برمه کرده و خنثی می نمودم ». مقعود اصلی از آن ملاقات مذاکرات این بود که حور « جنرال فونسل » روس میخواست همزمانه بیعنامی برای محمد علی بفرستد مدائی مزبور را میخواست بیغام بر خود قرار دهد این تمصیل حمیت داس ولی من او را ایران نمودم زیرا بیغراضی که حالات و مقاصد مرا بریشان و درهم نماید فایده دیگر ندانست *

چندی بعد از آن در موقع انعقاد یکی از سلامهای دربار رسیدند که بعضی ایرانی فوج الله خان نام یکی از اعضاء هیئتی که برای کشن من تشکیل شده بود (همان قسم که صنایع الدوره گشته شد) داوطلب و آمر اجراء آن امر گردیدند. نسبت به من

از ایرانیها باتباع پلیس بفرم فوراً اطلاع داده و آن شخص دلاور را پس از زد و کوب بسیار زنجیر و حبس نمودند *

بیست و نهم ژوئیه (دوم شعبان ۱۳۲۹) مجلس قانون ذیل را جاری نموده و انشاء داد که صد هزار تومان برای اعدام یا دستگیر کردن محمد علی و بیست و پنج هزار تومان برای هر یکی از برادرانش معین شده و قرارداد وظیفه مازوراستوکس را نیز قانوناً تصویب نمود بعد از همان روز وزیر مختار روس بوزارت خارجه آمده و امرار کرد که معاهده مازوراستوکس را امضاء نکند و تهدید کرد که در صورت امضاء معاهده مزبوره دولت روس معارضه سختی خواهد نمود وزیر خارجه ایران بفسمی ترسیده که فوراً رفته بدین مضمون بن نوشت که قانون وظیفه مازوراستوکس نا وقتیکه با امضاء نایب السلطنه نرسند بوقوع اجراء نگذارد نخواهد شد ولی هر دوی ما بخیر این نکته را میدانستیم که آن عذر حقیقت نداشت بهر حال در ایران این قسم ندانیم را ظاهر داری رسانه میگویند *

جندی قبل از آن تفنگهای «ریفل» و دستنگهای روسی که سپهدار یا سفارت روس قرارداد کرده بود به انزلی رسیده و از راه رشت بطهران می آوردند و ورود آن قور خانه را بنوعی قرار داده بودند که احتمال قوی میرفت که اتباع شاه مخلوع در بین راه آنها را بچاپند ولی از تراریکه معلوم شد عده معتد بهی از آن صندوقها که عبارت از هفت هزار قبضه تفنگ و چهار میلیون فشنگ بود بقرین رسیده و از مسیرد یاغبان محفوظ ماند آن قورخانه برای انبار نظامی طهران بسیار بوقوع و لازم بود زیرا که در آن وقت دولت مشروطه تقریباً بی اسلحه مانده بود من هزار و پانصد قبضه «ریفل» و شش صد هزار فشنگ آنها را برداشته و در عمارت تختانی (زیر زمین) منزل خود در پارک اتابک انبار کردم که محفوظ بماند تا وقتیکه برای زاندار سرری خزانه لازم شود در ایران اسلحه و آتش خانه بشکل عجیب حیرت ناکی بدور ملاحظه ایست که حساب بعداد آنها رسماً ثبت و ضبط شده است عیب و نابود میسود و باید همیشه آنها را مقابل جنبه خود گذارد *

تا کنون از وضع سالوک و همراهیهای دولت روس نسبت به پیش روت مقاصد محمد علی برای استرداد تاج و تخت سلطنت ایران چیزی بیان نشده در هر صورت ما مورین روس نه کاهل بوده و نه باسکت و آرام می نشستند دو سال قبل دولت

رومی از جانب خود و از طرف دولت انگلیس مسئولیت ذیل را بعهده گرفت که شاه مخلوع را مجبور و بایبند باقیام عهد خود کرده یعنی برخلاف دولت مشروطه ایران اقدام به بیع قسم شورش و بیگانه‌گی نه نماید و این مسئولیت مطابق ماده یازدهم صورت مجلس نهم سپتامبر ۱۹۰۹ (پنجم و سوم شعبان ۱۳۲۷) است که هر یک از آن دو دولت آن صورت مجلس را امضاء کرده بودند دولت روس اثر فرار محمد علی از ادسا و عبورش از روسیه و با کشتی روسی از دریای خزر گذشتنش و وارد بخارا ایران شدنش نه فقط برای جلوگیری از تحریکات بیگانه بلکه برای منع مخالفت جنبشی با دولت مشروطه ایران بکلی از «اقدامات لازمه» کوتاهی کرده بود. حقیقت واقع این است که عبور محمد علی از فعلی که ما مورین تذکره روس دقت و نفتیش کاملی می نمودند با همی از همراهان خود لباس رسمی با ریشهای مصنوعی با مقداری تفنگ و توپهای سریع الاطلاق (مسلسل) که بر دست و پای آنها آب معدنی نوشته بود بانضمام داشتن تذکره جعلی دروغی که خود را مطابق گفته خود روسها «خلیل نام تاجر بغدادی» وانمود کرده بود برای اشتباه کاری و اغفال صاحب منصبان خالی الذهن تذکره از دقت در نفتیش کافی بود دولت روس میخواست علی الظاهر بر تمام اهل عالم آشکار کرده و بفهاند که از حرکات محمد علی بکلی بی خبر و بی اطلاع بوده *

(مصنف ترجمه اعلان قانونی اعدام و دستگیر کردن محمد علی شاه مخلوع را بانگلیسی ترجمه نموده و ترجمه مزبوره عین همان اعلان و توضیح واضح میباشد باین جهت بدرج صورت اصل آن اعلان اکتفا شد)

ترجمه اعلان مزبور از فرار ذیل است :

چهارم شهر شعبان ۱۳۲۹ بر حسب رأی مجلس مقدس اعلان میشود *

کسانیکه محمد علی میرزا را اعدام یا دستگیر نمایند یک صد هزار تومان به آنها

داده می شود *

کسانیکه شعاع السلطنه را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنجم هزار تومان بآنها

داده می شود *

کسانیکه سالار الدوله را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنجم هزار تومان بآنها

داده میشود *

و نیز اخطار میشود که اگر داوطلبان خدمات مزبوره بعد از اتمام خدمت گذشته

شدند مبلغهای فوق الذکر پیمان نسبت به چورته آنها داده خواهد شد و این مبلغ در خزانه دولت موجود است و بعد از انجام خدمت نقلاً بانها پرداخته میشود *

محل امضای حضرت رئیس الوزراء

طهران - مطبعه تمدن *

محمد علی تا چندی در وینه توقیف نموده و برای حمله با ایران اسلحه میخرید بعضی اقدامات دیگر در وینه اش از بیانات آخری ارشد الدوله جنرال بزرگ شاه مخلوع که به همراهی مشارالیه پیران مراجعت نموده بود یعنی در استنطاق شب قبل از قتلش پس از آنکه بدست افواج ملی در تحت کاندانی (فرماندهی) بنرم گرفتار و دستگیر و عاقبت بتوسط همان افواج کشته گشت معلوم و آشکار شد :-

مسئومور « کرسپاندان » (وقایع نگار) روز نامه نس لندن که در مجلس نظامی شب قبل از کشته شدن ارشد الدوله حاضر بود صورت استنطاق و تقریرات مشارالیه را راجع به آن اقدامات مطابق شرح ذیل نوشته است :-

(پس من در وینه با محمد علی ملاقات نموده و سفیر روس هم به ملاقات ما آمد (۱))

(۱) چون مسئومور زبان فارسی را خوب می فهمید^۳ بیان مشارالیه راجع به مذاکرات سفیر روس در وینه پاشاه مخلوع و جنرالش خلاف واقع نبوده است بعد از آنکه من همان بیانات را در مراسله سر باز « با امضا » خود برای درج در روز نامه پیست و یکم نس لندن فرستادم دولت روس در لائحه رسمی خود از اینکه سفیر مقیم وینه اش چنین اظهارات را نموده باشد انکار ورزید و مدعی شد که این خبر بکلی با اصلی و جعلی است چندی بعد وقتی که صورت آن لائحه انکاریه در مجلس و کلاه عمومی انگلستان مطرح مذاکره گردید اکثریت آراء لائحه مزبوره را بپذیرده استقبال نمودند بعد از آن ملتفت شدم که انکار رسانه روس در آنموقع افلا از حیث عبارات و کلمات صحیح بوده همچو ظاهر میشود شخصی که ملاقات و مذاکرات مزبوره را یا شاه مخلوع و جنرالش نموده وزیر مختار دولت روس در وینه نبوده بلکه مسیودیهارت و یک معروف وزیر مختار سابق روس در طهران بوده است مشارالیه هر قدر قدرت که در قوه داشت به فعلیت رسانید که شاید بتواند دوباره محمد علی را به تحت سلطنت ایران برقرار نماید وقتی که آن ملاقاتها در وینه واقع شده بود مسیودیهارت و یک در بندخرد وزیر مختار بوده و چند مرتبه از آنها به وینه آمده و ملاقاتهای مزبوره را یا شاه مخلوع و ارشد الدوله کرده

ما از او خواهش کنیم نمودیم مشارالیه گفت « دولت روس در این موقع نمی تواند بشما
 امدادی نماید زیرا که دولتین روس و انگلیس در خصوص عدم مداخله در ایران
 تعهد نموده و با هیچ يك از مواد آن عهد نامه مخالفت نخواهند ورزید دولتین مصمم
 شده اند که هیچ قسم مداخله در امور داخلی ایران ننمایند لکن از طرف خود تان (یعنی
 سست ایران) میدان صاف و راه یاز است اگر معاونتی در کار شما نتوانیم بکنیم عاقبت
 و اخلاقی نخواهیم نمود دیگر مولوف برأی خود شما است اگر امید نبل بمقصود دارید
 خود تان باید اقدام کرده تا کامیاب شوید در صورتیکه امید وار برسیدن سلطنت
 میبایست پس باید فوراً شروع با اقدام بکنید ولی این مطلب را بخاطر داشته باشید که
 ما نمی توانیم ککی بشما ننماییم و اگر هم کامیاب نشوید ما مسئول نخواهیم بود » ما جواب
 دادم « بسیار خوب لکن آیا میتوانید این کار را کرده که مباحی برای ما فرض کنید؟ »
 جواب داد « خیر این هم بکلی نمی توانیم است » اگر چه ما خیلی خواهش و التماس کرده
 و ملاقات ثانویه با او نمودیم ولی مشارالیه خواهش ما را رد نمود فقط ابا و اشاره نازکی
 باین امر کرد که اگر استاد جواهرات را که محمد علی در بانک استخرایی روس در
 طهران مقرر گذارده همراه داشته باشد می توان باعتبار آن اسناد وجهی فراهم کرد
 ولی اسناد مزبوره همراه شاه نبود و نتیجه از مذاکرات مزبوره حاصل نشد *
 شاه مخلوع با همراهان و قورخانه و لوازم جنگی بسیار از بندری که در نقطه شمالی

باد کوبه واقع است سوار کشتی کرسٹوفروس (Christoforus) روسی شده و پس
 از عبور از دریای خزر در فمش تپه پیاده شد اگر ثابت و محقق شود که در دوائر عالیه
 دولتی روس از خیالات و حمله های شورش انگیز شاه مخلوع برای تحصیل تابع و تحت

بود من از حقیقت آن وقایع اطلاع نداشتم تا وقتیکه در زاتویه گذشته در مراجعت
 از ایران بویته رسیدم چون از صحاوره فارسی ترجمه « آملاسادور » (Ambassador)
 و مینستر (Minister) فقط يك کلمه است و نمی که ارشد الملوک در حضور مسپو
 مور و صاحب منصبان افواج ملی ایران شب قبل از فوتش شرح ملاقاتهای مذکوره را
 با نماینده های دیپلوماسی روس در ویته بیان میکرد (همان لفظ مشترک فارسی را استعمال
 نموده بود) مسپو مور و دیگران بذهنشان همچو متبادر گردیده بود که مقصود ارشد الدوله
 از نماینده دیپلوماتی همان وزیر مختار روس در آنجا بوده و حال آنکه اشاره جنرال بهان

* مسپو دیپارت و ملک معروف بوده است *

سلطنت ایران ذکر می‌نموده مردم نباید اطلاع و مساعدت در اقدامات مزبور را نسبت بدولت روس داده و باین احتمال که نمایندگان دیپلماتیک بلگرید و وینه روس اقدامات شاه مزبور را بکابینه دولت متبوعه خود اطلاع و راپورت داده اند از آن دولت بدگان شوند و باید قبول و باور نمایند که فرار شاه تا جائیکه روسها دست اندر کار و دخیل بوده اند امر اتفاقی و بدون اطلاع ایشان بوده است لکن وقایع و اقدامات مزبور در تمام ادارات دولتی آن مملکت بخوبی واضح و معلوم بود ده روز قبل از ورود محمد علی بچاک ایران وزیر مختار روس در طهران در «دعوتی» (مجلس دعوت شام) که در آن مردمان بسیاری حاضر بودند موقع اظهار یافته و گفت که در ظرف چند هفته دولت مشروطه ایران خاتمه خواهد یافت در آنوقت بیان مزبور تولید حیرت و تعجب زیادی نمود ولی وقتیکه در هجدهم ژوئیه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) خبر ورود محمد علی بطهران رسید کسانی که وعده وزیر مختار را شنیده بودند اشاره و مقصود مشارالیه را بخوبی مانند شدند این امر بخوبی ظاهر و معین شد که خبر ورود شاه مخارج بچاک ایران باعث خوشوفتی و خوشحالی علنی نمایندگان قونسلتانهای روس در تمام ایران گردیده و نتوانستند احساسات و همدریوهای خود را با اتباع شاه پنهان نموده و خود داری کنند باینهم قانع نشده بلکه در ده دوازده موقع مختلف متفقاً اقدامات صریح قطعی نمودند که افواج و گماشتگان شاه مظلوم را که برای مغلوب نمودن دولت مشروطه سعی و کوشش می‌نموده امداد و معاونت نمایند محمد علی بهترین وسیله برای پیشرفت مسلك ظالمانه صاحب‌منصبان روس و جلب نمودن قدرت و منافع مملکت بطرف ایشان بود مأمورین روس بخوبی ملتفت شده بودند که دولت مشروطه خصوصاً با بودن هیئت هشاد نفره اعضا منتخبه به آن درجه مطیع نخواهد بود که بکنتر سلطان مستبد را بتعهدیات خود رسانیده و او را راضی و مطیع نمایند که خود را بایشان فروخته و از این راه بمقاصد دولت امپراطوری روس خدمت کرده باشد *

بیست و سوم ژوئیه (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۹) دولت ایران بونبسی (اطلاع متحد الملک) بنام سفارتخانههای طهران فرستاده و از امضاء قانون نظامی شدن شهر به آنها اطلاع داد اکثر سرباز بطریق متعارفی جواب داده و توجه دولت را بطرف بعضی از مواد عهد نامه ترکمان جای معطوف داشتند بر خلاف سفارت روس که از اول با یک لجه خشن بسیار مخالفانه بنای ضدیت را گذارد از جمله حاضراتیکه ادعا نمود این بود که

باب چهارم

حق صریح خواهد داشت در هر موقع که بخواهد « رعایای غیر قانونی » خود را که در مسأله سفارت توضیح شده بود دستگیر نموده و ایشان را منع « از مداخله در انقلابات ممالک » که در شرف وقوع بود نماید. غرض اصلی ادعای بین اظهار مزبور این بود که سفارت و قونسلیاتهای روس در تمام ایران بهانه بدست داشته باشند که سردمان جنگجوی معروف ایران را یا حداقل اینکه مبادا بر خلاف محمد علی با دولت همراهی کنند. باین بهانه که مشار الیه طبقه از رعایای روس میباشند مهم و دستگیر نمایند. اگر تمهید مزبور راجع بدستگیر نمودن رعایای روس که « در آن وقایع مداخله و شرکت نموده بودند » مطابق التحمل در موقع اجرا گذازده باشد لازم بود که اول اکثر قونسلها و مستخدمین قونسلخانهای روس را چنانچه بعد ظاهر و آشکار شد دستگیر نمایند *

قونسل روس مقیم رشت ازین درجه هم بیشتر رفتند و ترس و حیرت اراده خود را بدولت ایران اطلاع داد که دارد کسانی را که گمان تبعیت روس در حق آنها میرود توقیف نموده تا بوقت فرصت یعنی تا بعد از اختتام آن شورش و انقلابات تحقیق نماید *

سی و یکم تریبله (چهارم شعبان ۱۳۲۹) که هنوز محمد علی درست وارد خاک ایران نگردیده و اقداماتش برای مغلوب و مضمحل نمودن ممالک جندان پادشاهی کرده بود دولتین روس و انگلیس سرآمده ذیل را که راجع با اقدامات جنگی شاه مخلوع بود فرداً فرد بدولت ایران ارسال داشتند. سرآمده سفارت انگلیس از فرار ذیل است: —
 نظر باینکه شاه مخلوع بر خلاف مصلحت و رأی باینکه مکرر دولتین انگلیس و روس در اوقات متعدده باو داده اند که از هرگونه اقداماتی که باعث شورش و انقلاب ایران شود اجتناب نماید اکنون بخاک ایران وارد شده دولت انگلیس (روس) اظهار میدارد که حق و وظیفه شاه مخلوع که معذرت در صورت مجاس سابق معین شده بود ملاحظه شده است و چون مشار الیه وارد ایران گردیده دولت انگلیس (روس) نمی تواند در امور راجعه باو مداخله نماید لهذا اظهار میدارد که دولت انگلیس (روس) در این سابقه که بدبختانه برای ایران پیش آمده بیطرف بوده و هیچ قسم مداخله نخواهد کرد. عین همین سرآمده هم از طرف سفارت روس فرستاده شد بواسطه عفت همراهانه یعنی (خفت عمدی) یا اقلاً اغراض یکی از دولتین مشار الیه که معاهده مؤثقی برای جلوگیری از پیش آمد چنین واقعه نموده بود دولت ایران دو حار حنك دانگی گردید *

در موقتی که اظهار عدم مداخله مذکوره از طرف آن دو دولت پیش نپاشد اگر حقیقت آن بیطرفی را مراعات مینمودند ایران میتوانست خود را از مشکلاتیکه باو مصادف شده به آسانی نجات دهد ولی صاحب منسیان و ما مورین روس جقدر خوب روایت اقلاً اسم «بی طرفی» را در ایران نمودند از وضع سلوک و مداخله ایشان در وقایعی که ذیلاً نگاهشته میشود میزان بیطرفی آنها بخوبی واضح و ثابت خواهد شد *

پیست و مهم ژولیه (دوم شعبان ۱۳۲۹) قونسل موقتی روس در اصفهان بمضمون بیطرفی کاملاً عمل نموده و مکتوب ذیل را به وزارت خارجه ایران فرستاد :-

بر حسب اطلاعاتی که بقونسلیخانه رسیده حکومت اصفهان میتواند مجلسی از علماء و اعیان و معتبرین و تجار شهر منعقد نموده و مسوده تلگرافی باسم نمایندگان دول اجنبیه ترتیب دهد که آنها یعنی ملت محمد علی را انخواستار و برخلاف ورود او بر دست نمایند قبلاً خواهشمند است که در مواقع مقتضیه رسماً به آنها اطلاع دهند که چون این معامله تعلق بایران و ایرانیان دارد زحمت دادن بسفارت و قونسلیخانهای امر اطوری بنا سود خواهد بود *

مجدداً مکتوب ذیل را بجهت خود ایشان فرستاد :-

شما نباید عیب در معامله محمد علی شاه بسفارت و قونسلیخانهای امر اطوری روس زحمت دهید زیرا که مداخله در اینگونه امور حتی نماینده خارجه دولت ایران است و دولت ایران جلوگیری از پیش آمد این وقایع نموده و مانع شود و بر اولیاء دولت لازم است که این گونه امور را تصفیه نمایند *

تخص رسیده الممالک نامی که رعیت ایران و حاکم سابق ولایت اردبیل بود بسر کردگی افواج دولتی ما مورسده و خائنانه در مقابله با عده قبایلی از طایفه شاه سوند که همیشه حامی شاه مخلوع بودند فرار نموده و متصرفاتیکی گردید دولتیان مشار الیه را دستگیر نموده و در تبریز حبس کردند پیست و هشتم ژولیه (منح رجب ۱۳۲۹) جنرال قونسل روس مقیم تبریز خواهش استخلاص او را از قایم الحکومه آنجا نمود (۱) و تمیکه مطبع

(۱) در جواب و راست رسمی که دولت ایران راجع به معامله مذکوره بسفارت روس نموده بود سفارت روس رسماً مسئولیت احکامی را که بجنرال قونسل تبریز که «اقدامات لازمه را عمل نمایند» داده قبول و اعتراف نمود * احکام مزبوره راجع بمنع مجازاتی بود که نسبت رسیده الممالک تصدیق شده بود *

باب چهارم

شد که بموجب حکم دولت مشروطه رشید الملک مجبوس شده موصوف غیر صالحات روسی را که تماماً کامل السلاح بودند بهارت حکومتی فرستاد مستحفظین ایرانی را زده و خارج کرده و بظاہر الحکومه توهین نموده و رشید الملک را خلاص کرده و بردند چندی بعد همین رشید الملک باتتبع شجاع الدوله باغی ملحق شده و شهر تبریز را تهدید نمود (۱) اقدامات جنرال فونسل روس دهنده شد که چگونه اقداماتی بود که اگر آن اقدامات ما بین دو دولت مساوی واقع شده بود منجر بچنگ فوری میشد سفارت روس بگذر که برای برائت ذمه خود از دامن حکم مزبور فونسل نمود این بود که «غایتدگان دولت روس فقط سنجایی از رشید الملک کرده بودند» و حال آنکه حقیقتاً هیچ حکم مجازات قطعی درباره رشید الملک صادر نشده بود و اگر هم میشد تفاوتی بهمال آن ظلم قبیح نه نموده و باعث رفع آن نمیشد *

شواهد متعدده دیگر برای اثبات مداخلات مخالفه مأمورین دولت روس در معاملات ایران که دولت شاهنشاهی دوست آنها بود درست است که اگر یکی از آنها میان دو دولت مساوی القوه واقع شده بود باعث چنگ میگردد (۲) دولت ایران در موقع وقوع هر اقدام و مداخله بیروست دیپلماتی خود را مستقیماً بوزیر مختار روس در طهران و بنومط سفراء خود به پتر سبرگک و لندن اظهار می نمود ولی دولت روس ابتدا اعتنائی به بیروستهای مزبوره نکرده سهل است که در دفاتر دولتی هم آنها را ثبت و ضبط نموده و هیچ يك از صاحب منصبان و مأمورین خود را هم برای ارتکاب قبایح مزبوره تنبیه و مجازات نکرد *

بعد از ظهر سی ام ژولیه (سوم شعبان ۱۳۲۹) شخص محترم نظامی ایرانی در حالیکه اندامش از طبانیهای سخفای سر خود و شنگ پوشیده و تقریباً صیصد عدد فشنگ یا بیشتر

(۱) شجاع الدوله لقبی بود که رحیم خان (مسند خان) راهزن که ذکرش در مقدمه کتاب گذشت برای خود اختیار کرده بود * قشون و افواج روس در حوالی تبریز بومته مشارالیه را حمایت و محافظت می نمودند و او نیز یا صاحب منصب روسی دوستانه و برادرانه سلوک می کرد دولت روس وجود مشارالیه را برای باقی داشتن سالداتیهای خود در آذربایجان بهانه قرار داده بود *

(۲) شواهد دیگر در سراسله است که مصنف بروز نامه تمس لندن نوشته است

رجوع بضمیمه «ج» شود *

اشتهای ایران

به حمایل و سینه و کمر و شالهای خود آویخته بود یککابینه برای ملاقات من آمد خیلی ظاهر و عیب ناکی داشت بمن اظهار نمود که از طرف دولت مأمور است که وی اولین حمله را به شاه مخلوع بنماید تقی‌ش سردار صحیحی و سابق ملقب به معزالمسلطان بود و در آن پیش قدمی که در سنه ۱۹۰۹ از جانب افواج ملی پسر کردگی سپیدار بعمل آمد شریک بود و مشارالیه را محارب و جنگجوی پستار جری میدانستند شخص مزبور اندامی درشت و چکهای زرد در پا داشت و متقبل شده بود که چند صد سوار را طلب تشکیل داده و با خود ببرد که در شاهرود از ترکانهای باقی جلوگیری نماید ابتداء برای خواستار بیست و شش هزار تومان برسم علی الحساب و برای مصارف ابتدائی اظهار نامه که وزیر جنگ آنرا امضا کرده از آه نموده و مبلغ مزبور از بابت صاحب منصبی نظامی و موجب حکومت شهر استرآبادش بود (استرآباد محلی بود که هرگز احتمال رسیدن سردار صحیحی به آنجا نبرفت) و نیز برای بعضی مخارج متفرقه که خود مشارالیه اختیار و اقتدار در تعیین آن مصارف داشت سابقاً هم مبلغ شش هزار تومان از طرف دولت بهمن شخص از بابت موجب پیشگی حکومت کرمان رسیده و هیچگاه به آن سمت نرفته بود بعد از مراسلات بسیار تند با کابینه مبلغ مزبور را بمشارالیه پرداختم ولی زود مطلع شدم که مطالبه وجه مزبور اولین سلسله از حملاتی بود که از جانب کابینه بخرانه عامه کرده شده و تا پنج ماه بعد که از طهران خارج شدم آن سلسله جاری بود کنار کسی بود که بیانه برای گرفتن پول داشته و تصویب کابینه یا وزارت جنگ را در دست نداشته و ادعای خود را بخرانه اظهار نماید آن سلسله و در حقیقت رودخانه مطالبات متوالیاً جاری بوده و هیچگاه منقطع و مسدود نمیگردید باید گفت که آن سیمهای کابینه فی الواقع سخاوت و بخششی بدوستان خود بود منتها ملون بلون شکست دادن شاه مخلوع * در المنوع بود که طوائف بختیاری بهمراهی خوانین خود از طرف جنوب بنای ورود به طهران گذارده و اکثر آنها قسمی بیجا و بی‌موقع و الحق و الانصاف خطرناک و بی‌موضع مطالبه می نمودند که چندین مرتبه در ماههای پند به تهدید مجبور شدم که در صورتیکه کابینه آنگونه خیالات غارتگری خزانة را امضاء نماید استعفاء خواهم نمود حتی حکیم الملک هم که در آنوقت وزیرمالیه بود اظهار شرمندگی و نفرت از افعال سرداران بختیاری نموده و گفت «اگر کابینه حمایت آنها را جاری بدارد من نیز مستعفی خواهم شد» اول دست بختیاری که به طهران رسید در تحت سرکردگی مصعب هاپون یکی از خوانین

حوان بختیاری بود که بعد ها وطن پرستی حقیقی اظهار و تصاعت بسیار در جنگ نمود *
 فریب سوّم اوت (هفتم شعبان ۱۳۲۹) بود که شاهزاده سالار السلوله بشهر کرمانشاه
 که واقع در جبهه غربی ایران است رسید بعد از آنکه تجار را از دادن مالیات (گمرک)
 منع نمود فوراً مبلغ پنجاه هزار تومان بعنوان فرض از ایشان خواست و مثل آن خواهش
 را نیز از شعبه بانک شاهنشاهی آنجا نمود ولی ایشان انکار کردند *

در این موقع کابینه بشمولیت مصمص الساطنه که رئیس الوزراء بود بواسطه
 اینکه از غارتگری و جهاول رسانه خزانه که از طرف ایشان جاری بود پروتست نموده
 بود بنای اظهار مخالفت را با من گذارد رئیس الوزراء از وعدهائی که در باره مساعدت
 در تشکیل زاندارمری خزانه نموده از قبیل دادن اجازه برای تعیین محل سرباز خانه و
 لوازم دیگر که در تصرف وزیر جنگ بود تخلف و انکار ورزید *

در آفرمان انواع دولتی مشتمل بود بر عدد ۲ غیر معینی از بختیاری غیر منظم که در
 اصفهان و راه طهران و در حدود پایتخت بودند و هزار و دویست نفر پلیس و پانصد نفر
 زاندارام در خود پایتخت و پانصد نفر زاندارام دیگر هم در قزوین در تحت فرمان یکی از
 « لفتت » (وکیل) های یفرم و بقدر دویست نفر هم داوطلب پابر حسب مشهور
 مجاهد ارمنی بودند *

هفتم اوت (دوازدهم شعبان ۱۳۲۹) صبر رسید که ارتد الدوله دسته از افواج
 دولتیا در دامغان که در شمال شرقی طهران واقع است تکست داده و سده ۲ از افواج
 دولتی هم در آن موقع از اردوی خود فرار نموده و باتباع شاه مفلوح ملحق شدند زمانیکه
 سپهبد وزیر جنگ بود آن دسته از افواج را با دوتوب به آن محل مأمور کرده بود
 توپهای مزبوره هم با مخورخانه و لوازم غنیمت فشرن شاه مفلوح شده و بدست آنها الحاد
 عقیده بسیاری از مردم این بود که این واقعه ناگوار نبیجه بیش بینی و اقدامات سپهبد
 بوده است و در آن موقع حیانت و مخالفت متارالیه بادولت مشروطنه نزد عموم مسلم گردید
 در آتام ماه اوت عده از دسته های افواج ملو برای مقابله و جلوگیری از شاه مفلوح
 بتهران ایران (طهران) فرستاده شد اولین غلبه و فتح نمایانیکه افواج دولتی کردند
 در فیروز کوه که در بین سلسله کوه های شمال شرقی طهران واقع است بود در ننگه
 بسیار تنگی آن سره در حوان بختیاری یعنی معین همایون رشید السلطانرا تکست داده و
 او را دستگیر نمود شصت نفر از اتباع رشید السلطان در آنجا متحول گردید *

در شب پانزدهم اوت (نوزدهم شعبان ۱۳۲۹) هشتصد نفر سوارهای اتباع شاهزاده سالارالدوله شهر همدان را تصرف نموده و از طرف افواج دولتی مقیم آنجا هیچ مدافعه بعمل نیامد *

نقل و حرکت و محل توقف شاه مخلوع اسرجهول غیر معینی بود انواها شهرت داشت بعد از آنیکه شنید قیمت سواران صد هزار تومان معین شده مضطربانه فوراً بهمان کشتی که از زمان ورودش در کناره لشکر انداخته بود پناهنده شد در این موقع یحیوم خان دسده های کوچکی را از ملایان انتخاب کرده و برای محافظت طرق تنگه هائیکه بطهران منتهی میشد مأمور نمود و خیال داشت که یکده قشوق هم از طرف پشت سر افواج محمد علی بفرستد که راه آندال آنرا وایدربا قطع نماید و خود یحیوم خان به اهمیت و حالت نازک طهران معصوم شده بود که در طهران جا بماند و بنابراین قسمت عمده افواج شاه مخلوع نرود تا اینکه خود آنها باصافه نزدیک بیای تخت برسند *

پانزدهم اوت (پانزدهم شعبان ۱۳۲۹) بدعوت «دار» در قلبک مدعو بودم که کرنل ایچ آر بدوز (Colonel H. B. Beddoes) نماینده کماندو سلیمان ویرادران لندن آن مهمانی را داده بود دعوت شدگان دیگر سر جارج بارکلی و ژنرال مختار انگلیس و همکار روسیاش سیاوواکلیوسکی کریل و مسز مور و قابع نگار روزنامه «تس» لندن بودند در آنجا از حالت حاضره آن وقت ایران گفتگو میان آمد وزیر مختار روس نتوانست عقیده خود را درباره شاه مخلوع پنهان نموده و از روی بی پروائی گفت شاه «قریبست که مظفر و منصور طهران را قلع خواهد نمود مسئله استخدام مائور استوکس نیز مفصلاً مورد بحث و گفتگو گردید بعد از تمام چند دست گنجینه بازی نمودیم «شامی» (خوش نصیبی) من در آن بازی ولایت اسریکائینا در نظم امور مالیه بوزیر مختار روس اثر آشکار غربی نمود *

در شب مزبور؛ وزیر مختار روس از آن محل بیرون آمد و باهم قدری بر پشت بام راه رفتیم معجزه پاکلیوسکی کریل شخص بسیار خوش معاشرت و خوش صحبتی بود مکرر بطرف بی قابیلی دولت متروکه ایران اشاره نمود بفته و بیحقرمه مشاغل نمود که آیا میل دارید وقتی که محمد علی دارای اقتدار شود در تحت مطمانت او خزانه دار کل چنانچه اکنون هستید با وزیر مقتدری بشوید؟ وین جمله بناندا که اگر به آن اسرار شویم حمایت کلی دولت روس را بطرف خود جلب نموده و بیعوضه و صلحاً مناسبی

تأمل خواهم شد چیزی که برای من در اظهار قبول آن خواهش لازم بود این بود که سادگی تشسته و مداخله در امور نمایم تا وقتی که تغییرات مزبوره واقع شود اگر چه اظهار مزبور را بکلمات بسیار با لراکشی بیان نمود ولی در معنی و مفهومش هیچ جای تردید و شبهه نبود من یقین دارم که وزیر مختار آن رأی را بسیار مناسب و بجای تصور کرده و از آن اظهار هم قصد توهینی نداشت اگر آن ییاطنرا از تزیینات عبارت و شاخ و برگ دیپلماتی طاری کنیم این میشد که معاونت در رأی دادن بدولت موجوده ایران را ترك نموده و بگذارم که مشارالیه در منگول و مغلوج کردن دولت ایران مبادرت نماید و من در تحت تسلط جانور ظالم سبعی که عهد و عهید کابینه پطرس سیرگه بود مستخدم شوم بوزیر مختار گفتم که من منقبول شده و عهد نموده ام که میزان نیافت و استطاعت خود بدولت ایران به بهترین قسمی خدمت نمایم نتیجه آن هر چه بیخواهد بشود ولی میل ماندن در تحت اقتدار و نفوذ محمد علی را ندارم *

این امر بخوبی سرگوز ذهن من شده است که دیپلماتهای روس در طهران و وینه بملاحظه اینکه نماینده دولتی بوده اند که وزارت خارجه انگلستان در باره آن دولت رسماً اظهار داشته بود که ایشان نه اطلاع از تقص « پرونگال » (صورت مجلس) و قرار داد سیپتامبر (۱۹۰۹) دارند و نه شرکتی با این جهت اظهار میل و اشتیاقی تام فوق العاده در کابینه شاه مخلوع داشتند *

پانزدهم اوت (نوزدهم شعبان ۱۳۲۹) نایب السلطنه در صحبت طولانی خود تصویر اسفناکی از حالت حاضره ایران کشیده و بهر حال از طریق نظارت و نگرانی که در امور مالیه دولت ایران بعمل آمده اظهار اطمینان نمود و بیان کرد که هر وقت کسی مصمم شد عایدات مالیاتی ایران را در تحت نظارت مؤثری نگاه دارد شکایتها بود که از هر طرف بلند می شد *

سه نفر از صاحب منصبان سویدی که مستخدم دولت شده بودند وارد پایتخت شده که خدمات خود را راجع بشاکی زاننداری در تحت او امر وزارت داخله انجام دهند * بعد از مذاکرات و مباحثات بسیاری که بین من و کابینه واقع شد قرار بر این شد که مواجب افواسی که موسوم بر کزی بودند مستقیماً از خزانه داده شود نه بتوسط وزارت چنک نتیجه قرار داد مزبور این شد که با کمال « اکووی » (صرفه جوئی) مواجب آنها پرداخته شد یعنی بدون اینکه دیناری تفریط شده یا متعلق کسی لا وصول بماند *

پنجم اوت (بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۹) شهرت یافت که شاهزاده سالارالدوله باده هزارقشون در ممدان توقف نموده و تهیه حرکت بطهران را می بیند در آن وقت تمام التواج دولتی چه در خود پای تخت و چه در اطراف بیشتر از سه هزار نفر نبودند این شهرت باعث هیجان دیگری علاوه بر سابق شد *

ده شنبه بیست و دوم اوت (بیست و ششم شعبان ۱۳۲۹) جشن میلاد سال چهاردهم سن شاه جوان بود و بر رعایت احترام آن جشن سلام بزرگی در عمارت پیلانی خارج طهران منعقد شد من نکند نتوانستم در آن سلام حاضر شوم لکن معاون بزرگم مستر کز در آنجا رفته بود و یکماده دندان « نروان » (کرگدن دریائی) که آدمیرال وری (Admiral Perry) از مسر سابق خود از غلب آورده و بر آن اسم منکشف معروف نقش شده بود تقدیم نمود آن دندان « نروان » (Narwhal) توسط شارژ دالر ایران مقیم و اشننگتون به مستر کز سپرده شده بود که آن یادگار قیمتی را به شاه تقدیم نماید *

سلطان احمد شاه تا آن زمان هنوز مستر کز را ندیده بود بواسطه سهو مترجمین شاه تا مدتی در این اشتباه باقی بود که خود مستر کز را منکشف معروف می باشد و آمده است که آن دندان را شخصاً تقدیم نماید آخر الامر توضیحات صحیحی داده شد که مستر کز را آسوده نمود *

در این موسم زندگانی و تعیش در طهران آرام و راحت نبوده چرا که هوا خشک و بی درجه حرارتش زیاد بود چیزی که بسیار زحمت میداد آن گرد و غبارهای غلیظی بود که از صبح زود که عبور و مرور در کوچها و راهها شروع میشد تا دیری از شب فروغی نشست از حسن اتفاقات در پارک افلیک مثل سایر عمارات بزرگ ایران اطاقهای زیر زمینی داشت که تالی بجزرات فوقانی بود هوای آن منازل حتی در گرمترین اولات روز خنک بود من دفتر شخصی خود را در آنجا قرار داده بودم در تمام مدت تابستان یعنی از وسط ماه ژون تا آخر سپتامبر جمیع سفارت خانهای خارجه و اغلب اروپائیهای سکه طهران و بسیاری از متهولین ایرانی از شهر خارج شده و به امکانه ییلاقی معتدله خود که مشت مین یا بیشتر از شهر دور و در دامنه کوه واقع است میروند ولی چون در همان لوفات تازه شروع به نظم و ترتیب امور خزانة نموده بودم لازم دانستم که در شهر که ادارات دولتی در آنجا بود توقف نمایم *

در او آخر ماه اوت مطالبات پول از طرف سرداران بختیاری در طهران بجدی سخت شد که مجبور شدم تا وقتی که خدمت معین نظامی از آنها بوقوع و ظهور نرسد از قبوله درخواستهایی که درباره حقوق آنها داده شده بود آنکار و نکول شایم بختیاری ها تصور نموده بودند که بواسطه بیکارگی تمام اذراج نظامی دولت در ننگهای مشکلات مگیر کرده است و ظاهراً اراده داشتند که از موقع حاضر فائده و انتفاع کلی ببرند و طبع پول دوستی آنها بجدی آسکار بود که همچنان و احساسات صغی در طهران برخلاف ایشان بروز نمود *

در اثناء ملاقاتی که سفرای روس و انگلیس از من نموده بودند صحبت از استعراض چهار میلیون لیره بمیان آمد که از جیدی قبل با نمایندگان کپالی سلیمان و برادران لندن مشغول مذاکره و ترتیب آن بودم *

بعد از آن سر جارج بار کلی عدم اطمینانی که از اغتشاش راههای تجارقه جنوبی بدولت انگلیس عارض شده اظهار نمود و سغوال کرد آیا ممکنست اقدامی برای تأمین طرق مزبوره نمود؟ من برای مشورالیه توضیح کردم که جلب ایل بختیاری از آن صلحیات و طلبید نشان بطهران برای شرکت در محافظت دولت مشروطه بر خلاف سمله های شاه مغلوب بی شبهه قطعات بسیاری از آن راهها را غیر مأمون گردانیده است و در چنین موقعی دولت ایران حقیقه هرگز بمشغول این اتفاقات نخواهد بود؛ بعد از آن سر جارج بار کلی رأی داد که خوبست ترتیب فراسوران و مستحفظین آن راه ها را خود شما بعهده بگورید یا الا عده کفای از ژاندارمری خرابه که تازه تشکیل یافته است برای عود نظم در خطوط مزبوره بجاوید و گفت که اگر بتوانم بدولت متبوعه خود ننگه ارفا میبایم که شما راضی میباید که ان کار را بعهده خود بگورید و وزارت خارجه انگلستان هم ازین بریشانی آسوده خواهد شد زیرا که متوالیا در مجلس و کلاء عمومی از عدم مواضبط کافی در فوائد تجارقی انگلیس در آن قسمت از ایران مشوالات و حمله های سخت میشد من جواب دادم که اگر دولت انگلیس کمک کافی در تشکیل فوری ژاندارم خزانه نماید راضی خواهم بود که با تصویب کابینه ایران مسئولیت این امر را بعهده خود بگیرم ولی جزء اعظم تشکیل ژاندارمری خدمات مارور استوکس میباشد و تا وقتی که خزانه از خدمات قیحتی مارور موصوف معروف باشد معلوم نیست که چگونه ممکنست کار دیگر مشکلتر یا بنده خود بگیرم و صلاً کاری که دولت انگلیس حواش بکیرل آنرا داشته باشد

درین صحبت باین امر دور از انصاف اشاره نمودم یعنی بوضع سلوک دولت انگلیس در انکار و تغلف از وعده خود راجع باستخدام مالور استوکس و اتحاد و شرکت علنی با مقاصد روسها حتی در مداخله در حقوق بسیار جزئی سلطنت شاهنشاهی ایران بطور مزاح با تبسم گفتیم نظر باینکه سلوک دولتین تا ایندرجه برخلاف ترقی ایرانست اگر بعضی امتیارات بدولت آنان که از چندی قبل حاصل بوده که در قسمت غربی ایران راهی یابد داده شود شاید مناسب باشد و وزیر مختار انگلیس همسوی از این شوخی سرعوب شد که من فوراً حرف خود را تغییر داده و مذاکره مذکوره را مسکوت عنه گذاردم * در این زمان بکدمت بهنجاری در تحت ریاست امیر مخم در حدود همدان ساخلو بوده که از پیشقدمی اتباع سالار لوله جلوگیری باید (۱) بختیارهای مزبور موجب خود را گرفته بودند ولی سرداران آنها خصماً سردار چنگ که یکی از برادران صحمام السلطنه بود در طهران درخواست و اصرار زیادی نمود که مبلغ دیگری موازی شصت هزار تومان بایشان داده شود قبل از آنکه امیر مخم و سوارانش مأمور برتلفن بمیدان جنگ بشوند خیال این تقب زدن بخرانه دولت و رشکته ایران حنان نموده بود که مجبور شدم خیال مزبور را یاداره روزنامه داخل اطلاع بدهم آن خبر بزودی در طهران شهرت یافته و سرداران بختیاری را مضطرب و هربشان نمود *

یست و هشتم اوت (سوّم رمضان ۱۳۲۹) ترکمانانی که در تحت حکم ارسند الدرله بودند هنگامی که بطرف طهران پیش می آمدند در نزدیکی قصبه ایوان کیف با دسته مختصری از افواج غیر منظم دواتی مصادف شده و آنها را شکست دادند قصبه مزبوره بنجاه و شش میل از پای تخت فاصله دارد فوراً کک مختصر دیگر در تحت ریاست امیر مجاهد برادر کوچک صحمام السلطنه فرستاده شد *

چهارم سپتامبر (دهم رمضان) خبر رسید که ارسندالوله نزدیک قره امامزاده جعفر که بفاصله جبل میل طرف جنوب شرقی طهران واقع است رسیده فوراً پفرم سیصد و

(۱) صداقت و درستکاری امیر مخم امر بسیار مشکوکی بود دو سال قبل در سنه ۱۹۰۹ م بر خلاف مین طرفدار شاه مخلوع بود جدی بعد از حرکات جبوتانه اش در جنگی که بین نسعی از اتباع سالار الدوله و بختیارهای ایوان جمی مشارالیه واقع شد بدگانی مردم نسبت باعراض حقیقی او بمنین دوست آن دسته سواران دولتی بدون اینکه مدافعه از هم کنند؟ کمت خورد و فرار نمودند

پناه سوار انتخاب شود. باتفاق مازور هاز مشایق آلمانی نویخانه با یک عراده توپ ما کریم و سه عراده توپ شنیدر سریع الاطلاق از طهران حرکت کرد. شهرت محمود سواران بختیاری که در تحت فرمان امیر مجاهد بوده شکست خورده اند، مستور مور و قایح نگار روز نامه «مس» لندن و «مستر مولونی» (m. moloney) مخبر اداره روتر با «مستر مریل» (m. morril) معاون امریکائی، آن که چندی قبل وارد طهران شده و در فوج ژاندار سری خزانه مستخدم بود، پیدان جنگ روانه شدند. باین خیال که با فوج دولتی مطوق شده و آن جنگ را علانیةً مشاهده نمایند *

سه تنه بلجم سپتامبر (یازدهم رمضان ۱۳۲۹) ساعت یازده صبح (یک ساعت قبل از ظهر) افواج علی در تحت حکم یفرم به اتباع شاه مطلوع که در تحت فرمان ارشد الدوله بودند حمله کردند. اتباع ارشد الدوله مشتمل بر دو هزار نفر ترککان و عده از اهالی ایران که هزار و چهار صد نفر آنها سواره و افواج دولتی مشتمل بر هفتاد نفر سوار بختیاری و صد و هشتاد نفر از داوطلبان ارمنی و عده قلیل ژاندارم یا انضمام سه عراده توپ شنیدر و یک دستگاه توپ ما کریم سوارهای بختیاری در تحت حکم سربرج سردار بهادر و سردار محترم بودند. و سایر افواج دولتی در تحت فرمان امیر مجاهد و در دو میل اما مزاده جعفر یا ارشد الدوله مقابل شدند. آنها مرکب از چهار صد نفر بختیاری و عده قلیل ژاندارم بودند. ساعت یک قبل از ظهر ارشد الدوله از تبه که بقدر نیم میل مربع فضای آن بود بالا رفته و آنها را سنگر قرار داد و با چهار توپ خود از خصم مدافعه می نمود. سیصد نفر ترککانها را به یکی از دهات و رامین فرستاد که اهالی را مضطرب نمایند. وقتیکه افواج دولتی در تحت حکم یفرم آن روز صبح بجهتی فعل برپور رسیدند. صدای تملیک توپ و تفنگ شنیده میشد که بین افواج امیر مجاهد و ترککانها رد بدل میگردد. *

یفرم مازور هاز و سردار بهادر و سوارهای ابواب جمعی مستاز الیه را با توپ ما کریم فعل مرتعی سمت بین افواج ارشد الدوله رساناد. ایشان از راه محضی و بداهگاهی که بنظر فی آمدند به آن محل مرتفع رفته و فوراً با توپ ما کریم شروع به آتش شایق به ترککانان نمودند. مطابق تقریر خود ارشد الدوله در مومع استعطاقی (بعد از آنیکه دستگیر شد) غرض توپ ما کریم ترککانها را مرعوب ساخته و زهره خود را با حتمت سرکردگان آنها هر قدر سعی کردند که آنان را منظم نگاهداری و از فرارشان مانع شوند نتوانستند. وقتیکه سواره بختیاری در تحت سرکردگی سردار بهادر بر ایشان حمله نموده و آنها را در هم

شکستند ترکمانان با کمال خوف و دهشت فرار را برقرار اختیار نموده و پای ارشدالدوله زخم برداشته و نتوانست فرار نماید. دسته از بختیارها مشارالیه را دستگیر نمودند *
 از ترکمانان پنجاه نفر مقتول و سیصد یا چهارصد نفر مجروح و دستگیر شدند. باقی آنها از طرف جنوب با سرعت هر چه تمامتر فراراً داخل جاده مشهد شده که از آن راه بحدود و سامان خود که در سرحد شمال شرقی ایران واقعست شراجهت نمایند چنگ مزبور ساعت یک بعد از ظهر روز سه شنبه ختم شد. بختیارها تعاقب از خصم ننموده زیرا که اسبهای آنها بواسطه مسافت طولانی سب گشته و صبح آب روز نسته بودند *.

در نیمه شب بعد از شدتالغول را بار دوگاه در برده و جادر خود بفرم بردند سرداران منی با کمال حسن خلق و خویشتن سلوکی با لورفتار کرده و زخم مشارالیه را شسته و مرهم نهاده و او را آرام و راحت نموده خوراک و آشامیدنی و سیگار نیز برای او حاضر کردند. ارشدالدوله در وسط دائره که مرکب بود از بفرم و مائور هزار و سرداران بختیاری و مستر مور و مستر مولوی و مستر مرید تکیه داده بود *.

از حرکات شاه در وینه و اقدامات بعد از بیرون آمدنش مشوال نمودند جوابداد که با محمد علی میرزا دو سرایه سفیر وینه روس را ملاقات نمودیم سفیر پشاه گفت که «نه دولت روس میتواند در این کشمکش داخلی شرکت و مداخله نموده و شما را امداد دهد و نه دولت انگلیس یعنی در ورود شاه بایران برای استرداد سلطنت لکن اگر شما خود تان بتوانید این کار را انجام دهید راه صاف و بی مانع است» ارشدالدوله گفت که محمد علی عشون و اسلحه و پول از سفیر مزبور خواست ولی سفیر جواب داد ممکن نیست! بفر حال سفیر روس قدری اطمینان بجاداد که توانستیم سه عراده توپ اطریشی که در صندوقها بسته بودیم همراه خود از وینه بیاد کوبه آورده و از محاکت روسیه بدون هیچ اشکال و مانعی عبور دهیم برای تذکره و اسبابهای ما پریش و دقتی بعد نیامد وقتی که مشوال نمودند که چگونه آن صندوقهای وزین و قورخانه را از روسیه عبور دادید که حقیقت امر مکتوف نشد؟ جواب داد که بر آن صندوقها آب معدنی نوشته بود: محمد علی هم با تذکره جعلی و حاجتگی سر میگرد در آن تذکره اسم او خلیل نام تاجر بغدادی نوشته شده بود *.

ارشدالدوله مقداری قورخانه و جبهه حازه همراه داشت و نوکرهای او همه مسلح

بودند به تفنگ های کازین (Carbines) (لوله کوتاه) اطریشی برای سوار و پلک صندوقی همراه داشت که مبلغ بسیاری مسکوک ایران در آن بود *

درین گفتگوی با سرداران خواهش و التماس زیادی بر ایجان خود کرد که از کشتنش صرف نظر نمایند لکن با عبارات مختصر و باطلاح تمام خواهش نمود که مجلس را ختم کرده و بگذارند آرام کند سرداران باواطمینان دادند که امشب را میتوانی به آرامی و راحت تمام خوابیده و برای فردا مهیا باشی *

صبح زود روز بعد بیست نفر ژاندارم ما مورد شدند که ارشد الدوله را در حالتیکه دستپایش باز بود نزدیک دیواری برده و بر او شلیک کنند بعد از شلیک او و افتاده و دستهای خود را بلند نموده و حرکتی داد ولی بعد از امتحان معلوم شد که هنوز زنده است و فقط یک گلوله باو خورده چند دقیقه او را بهمان حال گذارده و ژاندارم ها را امریاز گشت نموده و بعد از آن دسته از داوطلبان ارفنی را حکم به پیش رفتن دادند زیرا که ژاندارمها تیراندازی بسیار بد مشکوکی امتحان دادند دراز گوشه را که اتفاقاً ما بین ارشد الدوله و دیوار آمده بود از آنجا راندند در این حال ارشد الدوله بزای بلند شده و به فارسی بصدای بلند گفت «زنده باد محمد علی شاه» و وقتی که شلیک دوم را کردند چند گلوله باو خورده و فوراً افتاد و مرد *

در هنگام گلوله ریزی بارشد الدوله به یفرم دو آنجا برده و نه سرداران بختیاری ولی مستر مور و مستر مولوف و مستر مرین حاضر بودند *

ارشد الدوله بدون اظهار خوف و بدون هیچ آزار ندامت و انفعالی از افعال خود که برخلاف دولت اقدام کرده بود جان داد قبل از کشته شدن خواهش کرد که نعشش را در طهران پیش عیالش فرستاده و «لاکت» (Locket) (مدال بیضوی شکل کوچکی که از طلا ساخته و تصور کوچک و یا چیز یادگاری در آن میگذازند) با زنجیر طلا که در گردن داشت با نعشش دفن نمایند ششم سپتامبر (دوازدهم رمضان ۱۳۲۹) او را بطهران آورده و روز دیگرش در میدان توپخانه برای معاینه عمومی نمایش دادند نعش او را جلوعرآبه متعارفی واداشته و جمیعت کثیری از مردم آن منظره را مشاهده نمودند مقصود از آن کار غیر عادی لزوم این مسئله بود که دولت خواست مردم واضح و ثابت شود که آن جنرال مشهور واقعاً کشته شده و بر کاتبها شکست خورده اند روز بعد یفرم گفت سب قتل فوری ارشد الدوله در میدان جنگ این بود که اگر او را زنده

بطهران می آورند بی شبهه سفارت روس بهانه ای استغلاش فراهم می نمود *
 روی هم رفته فتح منورملین آخرین اطعمه و ضربتی بود که باسید واریهای شاه
 مغلوع در قرقن طهران وارد آمد ارشدالدوله از جری و ماهرترین جنرالهای شاه مغلوع
 بشیاری آمد و به تدریج و چالاکانه عیب مشورت خود را بجهل و بیل های تحت
 رسانید اگر قشون بفرم مانع از پیش آمدن مشارالیه نشده و او را شکست نداده بود
 بی شبهه بدون هیچ مدافعه مؤثری طهران بتصرف او درآمده و برای غارت و بربا
 بترکانان سرده می شد تسویر نتیجه زبانه شدن هزارها مردم وحش در شهر و دهاول
 خود سرافه و غارت دل بخواه امر بسیار مشکل و هواناکی بود چهار عراده توپ و
 عده بسیاری تانک ریفل که تحت انواع مل شده بود با عده کثیری از ترکانان
 اسیر شده را که غالب آنها پدر و با ریشهای سفید بودند در چند روز بعد وارد طهران
 نمودند قسمت عمدت ترکانها که از عده خرابان (سرتاخت) معیلاً قرار نموده معجو
 گن میگردند که سوارهای بهتاری ایشان را تنافب خواهند نمود با اینکه یک نفر
 سوار هم عقب آنها رفت طوری پیشاپش قرار نمودند که تعداد زیادی اسبهای آنها از
 خستگی بیکار شده و سقط گردید تلگرافهای کوچک بسیاری در ارض آن راه مصطنعی
 بشعبه مشهد کهنی هند و اروپا واقع است رئیس تلگرافخانه انگلیس طهران که رئیس
 کل شعبهای مزبوره بود بیورد اینکه از شکست ترکانان مطلع شد فوراً بتام تلگرافچیان
 بین راه تلگرافاً دستور العمل داده و سفارش نمود که در هر جا بترکانها اطلاع دهند که
 «بختیارها در بی ایشان میباشند» نتیجه آن تدبیر این شد که باغبان بسرعت تمام
 گریخته و نتوانستند اهالی دهات و قراة کوچکی بین راهرا غارت نمایند چنانکه سابقاً
 غارت کرده و باور حتم بازم غارت میگردند *

در آن موقع خبر رسید که شجاع الدوله با استعداد زیادی از شاه سوند ها شهر
 تبریز را تمردید تدبیری می نماید بهر حال بعد از شکست ارشدالدوله بقیه السیف قشوق
 که شاه مغلوع و همراهای امیدوارهای پانسی به آنها داشتند فقط انواع برادرش
 شاهزاده سالارالدوله در حدود همدان بودند *

اقدامات نظامی و لشکری برای جلوگیری و دفع شاهزاده سالارالدوله تسکست خوردن مشارالیه از نشون درونی نتایجی که از ضبط نمودن دولت املاک شعاع السلطنه و بعمل آمد سواد مراسله خود که به تمس لندن نوشته بودم *

در اوائل سپتامبر افواج دولتی که در تحت حکم امیر پنجم سردار بختیاری بودند در حلیه قصبه صالحیه از اتباع شاهزاده سالارالدوله تسکست خوردند و از بختیاری ها دو بیست نفر اسیر و معتول بشمار آمد و نیز مقداری تفنگ و مشنگ و ثوب بغارت رفت سردار غدار شان اظهار نمود که مبلغ پانزده هزار تومانی که چند روز قبل از تبعه بانگ شاه نسله میمان گرفته بود نیز بغارت رفته است يك چهارال دیگر دولتی که معروف پامیر نظام بود چند عراده توپ بزرگی که دولت برای محافظت ممدان پستارالیه سپرده بود بطریق بسیار مشکوکی بسالارالدوله تسلیم نمود *

پانزدهم سپتامبر (هفدهم رمضان ۱۳۲۹) نیز جنگ دیگری مابین افواج دولتی در تحت ریاست معین هایون و اتباع و همراهان شاه مخلوع و برادرش شعاع السلطنه در سوادکوه واقع گردید عساکر شاه مخلوع بکلی تسکست خورده و آن دو برادر بکمال تمام در تاریکی مه غایبی فرار نمودند در آن موقع شهرت پالت که شاه با هفت نفر از همراهانش بتمش نه فرار نموده است *

هجدهم سپتامبر (بیست و چهارم رمضان) سالارالدوله بسمت طهران حرکت نمود در صورتیکه علی الظاهر هیچ گونه مانعت و جلوگیری از طرف افواج دولتی بعمل نیامد در اعلامیکه بملت نموده بود خود را شاه خواندند و از محلی هم بیست وزراء و مجلس تلگراف نموده و ایشانرا به «مجلس من و وزراء من» خطاب کرده بود بیست و هفتم سپتامبر (سوم شوال ۱۳۲۹) پس از آنکه بفرم و تویضنامه اس با سواران داوطلب به بختیاریها ملحق شده و با تمام قوای سالارالدوله مصادف گردید در ده کوچکی معروف به باغ شاه که مابین شهر قم و قصبه نوبران در نود میلی طرف جنوب شرقی طهران واقعست عساکر باغی را تسکست دادند از سرداران بختیاری سردار بهادر و سردار محتشم و سردار حنک همراه یفرم خان بودند عساکر سالارالدوله کلاً شش هزار نفر بوده بآنصدد

نفر از ایشان مقتول و مجروح و دویست نفر دستگیر شدند در صورتیکه عند افواج دولتی در هر صورت کثیر از جوهرات نفیر و عده تلفات است. حیرت انگیزانه نقطه دو نفر مقتول و شش نفر مجروح بنهار آمدن شش عراده توپ و مقدار زیادی فشنگ و چیه بخانه بتصرف لشکر ملی آمد و شاهزاده سالارالدوله بسرعت هر چه ثامنتر پشت میدان جنگ نموده و بطرف جنوب فری فرار کرد و آرزوی طهران و سلطنت از سرش فوراً محو و نابود گردید اگر افواج ملی مستار الیه را فوراً تعاقب نموده بودند بدون شک دستگیر شده بود زیرا که در صلی پیشتر از چند میل با عساکر ملی حاصله داشت *

بهر حال در اوائل اکتوبر ملتیان در دو جنگ فایح و مظفر گردیدند نتیجه این عمل کبر شاه و پرادراتش فرار نموده و عساکر و عناصرشان از هم پاشیده و متفرق گردید *

افتخار دو فتح مزبور بواسطه قدرت و جرأت و اقدامات مدبرانه یفهم خان حاصل گشت مشار الیه پس از مراجعت بطهران مورد اعطاء يك شه شهپر سر مع و بکارندانی افواج شمالی و ماهی سیصد تومان مواجب از طرف مجلس مظفر گشت *

چند دسته کوچک از بیرون شاه مخلوع هنوز در حدود اسرآباد باقی بودند که قریب هشتم اکتوبر (چهاردهم شوال) معین هایون با پانصد نفر سوار بمقابله و مدافعه ایشان بدان صوب و هسبار گردید *

نائب حسین دزد معروف در جوانی شهر کاشان که در نقطه جنوبی طهران بین قم و اصفهان واقع است دو باره بنای مخالفت و سرکشیا گذارده و اسباب زحمت دولت گردید دولت بر حسب رأی من دویست و پنجاه نفر از بزرگان قزاق با چند صاحب منصب روسی برای جلوگیری مشار الیه گسیل داشت که بسیصد نفر سواران بختیاری که از سمت اصفهان می آمدند ملحق شده و متفقاً با او مقابله کنند ولی بدون اینکه فزاقها اقدامی نمایند که از آن نتیجه صحیح عملی حاصل شود بطهران مراجعت نمودند *

چهاردهم اکتوبر (دهم شوال ۱۳۲۹) از هیئت وزراء حکمی صادر شد که از حیت خزانه داری کن باید اموال و املاک شاهزاده شعاع السلطنه و سالار الدوله را توفیق و ضبط نموده و جزء خزانه محسوب دارم *

بدون شبهه صدور حکم مزبور بقاعده و مطابق قانون بود زیرا که آن استحصانی نه نقطه نقض عهد و مخالفت با دولت مشروطه نموده بودند بلکه سر کرده و رئیس یاغیان شده و به آنها سر کشیدنی در بفری و ایجاد نمودند *

و تکیه دولت ایران بر این امر مصمم شد یکی از اجزاء وزارت خارجه را بسفارتخانه‌های انگلیس و روس فرستاد نقطه باین قصد که خیالی مزبور را دوستانه با ایشان اطلاع داده و این نکته را هم گوشرد شان نماید که چنانچه ایشان نسبت با املاک مشار الیهما ادعائی داشته باشند دولت متنازع و حقوق ایشان را بکمال خوبی حفظ خواهد نمود هیچ يك از آن دو سفارت اظهار تعرض و مخالفت ننمودند *

یکی از مواد فقرات حکم مزبور نیز همین مسئله بود که در فقره فوق گذشت *
دوشنبه نهم اکتوبر (پانزدهم شوال ۱۳۲۹) برای اجراء حکم مزبور دستورالعملهای لازمه دادم چون برای ضبط املاک مزبوره هر چه گونه اشکالی متصور نبود شش دسته وقت تقریباً که هر دسته مرکب بود از يك نفر مستوفی (ماسب) خزانه و يك صاحب منصب ژندار سری و پنج ژندارم خزانه برای توقیف و تصرف آن املاک مأمور نموده و بایشان امر کردم که تمام املاک مشار الیهما را چه در خود شهر و چه در خارج شهر از طرف دولت در قبضه تصرف خود در آورند *

بزرگترین آن املاک بزرگ و عمارت شاهزاده شعاع السلطنه بود که در نزدیکی بزرگی انایک (یعنی در آن محله) و قسمت عمارت مزبوره بسیار عالی و از مباهای کباب گران بها از قبیل بده ها و فروش (قالی) و اشیاء متفرقه دیگر بود اطراف عمارت مزبوره باغ بزرگی بود که بدیوارهای ضخیم محکی تعاط بود در آن عمارت بعضی از زوجات و اطفال و مادر شعاع السلطنه اقامت و سکنی داشتند *

و قایمیکه در موقع ضبط املاک مأمور شده اتفاق افتاد از راپورت رسمیکه ذیل درج شده بخوبی معلوم می شود :- بتاريخ دهم اکتوبر (شانزدهم شوال ۱۳۲۹) سواد این راپورت را در جزه راپورت خود برای هیئت وزراء فرستادم ترجمه راپورت مزبور که اصلاً بزبان فرانسه نوشته شده بود بر حسب ذیل است :-

طهران: دهم اکتوبر ۱۹۱۱ خدمت هیئت وزراء افتخار حاصل میکنم که راپورت ذیل را که بداره خزانه رسیده راجع اجراء حکم توفیقی مورخه چهارم اکتوبر ۱۹۱۱ (شانزدهم شوال ۱۳۲۹) که از طرف آن هیئت محترم در خصوص ضبط تمام املاک شعاع السلطنه و سالار الدوله یاغران بنام دولت شاهنشاهی صادر شده بود بعرض برسانم بموجب حکم مزبور شش دسته که هر دسته مرکب از يك مأمور محاسب و يك نفر صاحب منصب پنج نفر ژندارم بود دستورالعملهای لازمه و توضیحات راجع بیکگونگی

و صلح هر یکی از شش ملک مزبور دادم *

چهار بارجه از آن املاک متعلق بشعاع السلطنه است يك باغ در شهر و باغ دیگر در نزدیکی قلبك معروف به چوزر و دو ملک دیگر واقع در خارج طهران معروف به دولت آباد و منصور آباد و دو ملک دیگر که یکی در باوگ شهر یار و دیگری مریدآباد می باشد متعلق بسالار الدوله است *

به مأمورین دستور العمل داده بودم که املاک مزبوره را باسم دولت با صلح و مسالمت قبضه و تصرف نموده و پیمانترین و ضابط مراتب مندرجه حکم هیئت وزراء را اطلاع دهند و چنانچه آن املاک در اجاره اتباع خارجه باشد بمسئولین اطلاع دهند که از طرف دولت شاهنشاهی بکمال خوبی رعایت احترام فرار دادشان خواهد شد ولی مال الاجاره را تا انتضاء مدت اجاره باید بموجب اقساط مقرر در اجاره داده بخرانه دار کل دولت به پردازند *

بعبارت صریح و ساده به مأمورین سفارش و تأکید نموده بودم که اگر واقعه غیر منتظره رخ نماید در نهایت حزم و احتیاط و با کمال تحمل و بردباری سلوک نمایند و در هر صورت باید هیچگونه سختی اگر هم لازم شود بدون اطلاع راجازه من ننمایند *

دیروز که نهم اکتوبر (پانزدهم شوال ۱۳۲۹) بود ساعت ده صبح یکی از آندسته ها که عبارت بود از يك نفر محاسب و دو نفر مهندس و يك صاحب منصب و چهار تالین ژاندارمری خزانه بطرف پارک شعاع السلطنه (که واقع در شهر امدت) روانه شدند *

ترجمه راپورت نهم اکتوبر را که بامضاء علی اصغر صاحب منصب ژاندارمری و محمد ناظر انصراهل قلم خزانه بود ذیلاً مینگارم :-

(خدمت مستر شوستر خزانه دار کل ايران : امروز که پانزدهم شوال است ساعت ده صبح (دو ساعت به ظهر مانده) امضا کننده ذیل بهسراهی میرزا علی اصغر خان و دو نفر مأمورین مهندس خزانه و چهار ژاندارم بیمارگ شعاع السلطنه رفتیم و قتی که بدر پارک رسیدیم چند نفر از فزاقهای ايرانی ما را از دخول منع نمودند پس از آنکه حکم ضبط تمام املاک شعاع السلطنه را اراء نمودیم داخل باغ شده و بکنفر ژاندارم را نزدیک در باغ گذاریم سپس بیاز نمودن اطاقها و نوشتن صورت اثاث البیت و مبلیها شروع نمودیم *

در این اثنا يك نفر فزاق بتوسط تلفون بفزاق خانه اطلاع داد بفاصله کمی دو نفر

صاحب منصب روسی وارد شده و با نشد تمام گفتند «شما حق داخل شدن باغ را نداشته و باید فوراً خارج شوید» همیشه میرزا علی اصغر خان بزبان روسی اظهار داشت که بوجب حکم دولتی ما مورد توقیف می یاشیم ایشان بنای تهدید را گذارده و گفتند «چنانچه فوراً خارج نشوید بقزاقها فرمان خواهیم داد که شما را گلوله ریز کنند» و واقعاً هم دوازده نفر قزاق روس که منتظر ورود شان بودند طلبدیده و ایشان را بجمله و بپوش با حکم نمودند میرزا علی اصغر خان مرتد سعی و کوشش نمود که بوسیله تلغون پیش آمده حال را اطلاع دهد بی سود شد

چون اجازه و حکم سخت گیری بش از آن نداشتیم ما مورین خود را طلبدیده و از باغ خارج شدیم با اینحال افسران و قزاقهای روسی تا منتهی ایله خیابان بقعاقب ما آمده و تحویف می نمودند که تعجب در رفتن کس *

(امضاء: محمد نظر: علی اصغر)

و بموجب راپورت شفاهی که این مامور حزانه داد صاحب منصبان روسی بانباس تمام سعی نظامی و کامل السلاح بوده و مامورین را تهدید به قتل نموده بودند * پس از آنکه مامورین از باغ خارج شده و راپورت عقیده و این دادند ساعت یازده و نیم صبح (نیم ساعت به ظهر مانده) تلغون ذیل را بجناب مسیوپا کیوسکی کریل وزیر مختار روس نمود -

(زرگده: عا بجناب مسیوپا کیوسکی کریل وزیر مختار روس) ما قسم از اینکه بجناب عالی اطلاع دهم که امروز ساعت نه صبح نمایندگان خود را بجماعت حکمی که از طرف دولت شاهنشاهی برای ضبط املاک شعاع السلطنه صادر شده بود فرستادم پس از آنکه نمایندگان مزبور باغ مشارایه را تصرف نموده و مشغول به ترتیب فهرست روسی بودند دو نفر صاحب منصب روسی باده نقر قزاق روس از فونسلخانه شما به باغ مزبور رفته و مستحقین و نمایندگان را اسر بفرج کرده و ایشان را تهدید نموده اند که چنانچه خارج نشد با مرتبه دیگر در آن حدود و حیابان روند بر آنها تسلیم نمایند نمایندگان بواسطه این تهدید از آن محل خارج شد و یقین دارم که جناب عالی خواهید دانست که این وضع سبب و رفتار صاحب منصبان فونسلخانه شما بکلی ناجائز و خارج از قاعده بوده است حوسنه ماتمس و خواهش نمودم که به فونسلخانه خودتان فوراً حکم به برداشتن سرباز و مستحقین باغ مزبور داده و خروج ایشان را بن اطلاع خواهید داد *

(امضا : دلیو مورگان شوستر حراهِ دارکل *)

پس از تلفون مزبور سراسله نیز برای تأکید و توثیق آن تلفون به مسیو پاکلیوسکی
گزیل نوشته و فقره که زیلاً نگاشته میشود بر آن افزودم : (چون حکم که از
طرف هیئت وزراء صادر شده فوری الاجراء است با کربم از اینکه حکم مزبور
را بوضع اجراء گذارم باین جهت مناسب دانستم که جنابهائی را مطلع نمایم از اینکه فردا
صبح ساعت ده نمایندگان خود را فرستاده که باغ سعوت عد را تصرف نمایند صمیمانه متوجه
و امید وارم که اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد که هیچ واقعه ناگواری واقع نشود و
جدداً اظهار تأسف می‌کرم از اینکه تجدید رای حاصل شود (من هشتم وزیر
عزیزم :) (۱) *

ساعت یازده شب جواب تلفون از طرف مسیو پاکلیوسکی گزیل بر حسب دیک
ر رسید : - محرمانه : طهران : مسیو مورگان شوستر : تلفون و سراسله بسیار سید دولت
آباد ملکی است که در اجاره دولت از رعایای روس می باشد و باید هیچ اقدامی در
خلاف اجاره ایشان کرده نشود مگر در صورتیکه جنرال فونسل مطمئن شود که مصالح
رعایای روس محفوظ و مداخله و نصرتی در کنترات (قرارداد) بیسناجرین نخواهد
شد با رعایت سریع شرط مزبور از جانب سفارت روس در اقدامات دولت ایران
در باره ملک شعاع السلطنه تا معنی خواهد شد سفارت روس دولت ایران را مستوی
هر گونه دعوی که رعایای روس بر شعاع السلطنه دارند خواهد دانست (امضا
پاکلیوسکی) *

توجه مخصوص هیئت وزراء را معذوف بدرئیسشله میگردانم که عالیجناب سعید روس
نه فقط جواب خواهشیکه در تلفون خود راجع به برداشتن سر بازان و مستحفظیشان از
باغ شعاع السلطنه واقع در طهران نموده بودم مسکوت عنه گذارده بلکه در جواب تلفون
خود اشاره بلك دولت آباد کرده که خارج از شهر و ابتدا ذکر می در هیچ يك از تادون و
سراسله خود از آن نکرده بودم *

پس از اصلاح تالی بیجناب وزیر مختار روس که امروز ساعت ده صبح ما مورین و
نمایندگان خود را باغ شعاع السلطنه برای ضبط و تصرف خود فرستاد و این حواله
تجدید نقد امری بجز از اجراء اراده قانونی خود باقی نماید *

(۱) کله من هستم گانه از اجازات دولت است *

امروز صبح ساعت ده مستر کرز نمایندہ خود را با نچاه نفر ژاندارم خزانه و پنج صاحب منصب ایرانی فرستادم بانضمام نچاه نفر ژاندارم اداره پولیس شهر در تحت فرمان سه نفر از صاحب منصبان خودشان تمام هیئت نظامی مزبورہ در تحت حکم سریع یکی از معاونین امریکائیم مستر موریل بود *

مستر موریل و سائر صاحب منصبان سفارش و غدغن اکیدی نمودم کہ بموجب آن باغ شعاع السلطنہ را اگر ممکن باشد بصلح و مسالمت تصرف و ضبط نمایند و چنانچہ از طرف مستحفظین سابق اظهار مخالفت و ممانعتی شود هیچگاه سبقت در بکار بردن قوہ جبریہ نکرده و تأمل کنند تا از طرف قراولان بہ آنها حمله شود ولی در هر صورت باید حکم مزبور را اجراء نموده و باغ را تصرف نمایند *

پس از گرفتن حکم و دستور العمل و رسیدن محازی باغ مستر کرز و مستر موریل با یکدیگر صاحب منصب ژاندارم خزانه کہ زبان روسی میدانست بقونسطنانہ روس کہ نزدیک بود رفته و مسیو باختانف جنرال قونسل روس را ملاقات نمودند مستر کرز بمعاونت صاحب منصب ژاندارم مری غرض خود را بجنرال قونسل روس فہمائیدہ و حکمی کہ بایشان داده شدہ بود برای مشارالیه خوانندہ و اظهار داشت کہ اداره خزانه رعایت احترام حقوق الباع خارجه را خواهد نمود سپس مستر کرز از مشارالیه خواہش نمود کہ قراولان باغ را از آنجا بر دارد *

پس از مختصر مذاکرہ جنرال قونسل از برداشتن مستحفظین و مامورین خود صریحاً امتناع نمود این نکته را ہم توضیح می نمایم کہ از تقریرات و بیانات جنرال قونسل برای مستر کرز و مستر موریل یقین قطعی حاصل شد کہ خود مشارالیه مستحفظین را در باغ مزبور از طرف خود گذارندہ است باز ہم تکرار میکنم کہ قونسل مزبور انکار صریح از خارج نمودن قراولان خود نمود باین واسطہ مستر کرز بمشارالیه اطلاع داد کہ امروز باغ مزبور را بقوہ جبریہ تصرف خواهد نمود *

بعد از آنکہ اقدامات لازمه بحمل آمدہ و حجتہ تمام شد ژاندارمهای دولتی بطرف در آہن باغ رفتند در آنجا شش ہفت نفر فراقهای ایرانی را با تفنگهای ریفیل دیدہ و بہ آنها امر نمودند کہ در را باز نمایند و چنانچہ از دخول ژاندارمهای دولتی بصلح و مسالمت ممانعت نمایند قوہ جبریہ بکار بردہ خواهد شد فراقهای ایرانی جواب دادند کہ کنید پیش ما نیست چون مامورین دولتی نمیخواستند کار بطول بیانجامد بطرف در دیگر باغ

که فاصله کمی با درآهن داشت رفته و از آن در داخل شدند و بقزاقان ایرانی اطلاع دادند که در صورت عدم مخالفت و مخالفت و تسلیم اسلحه میتوانند به آرازی و خوشی از آن محل خارج شوند قزاقها هم قبول کرده و پس از تسلیم اسلحه خود به صلح و مسالمت خارج شده و باغ را بتصرف ژاندارمهای خزانه دادند *

احکام موقت در برداشتن صورت صحیحی از میل و آتاپه و سایر اموال موجوده به مامورین داده شده بود و هم به ناظر اطلاع داده شد که زحمتی برای زنبانی که در اندرون بی باشند نخواهد بود و کسی ممرض ایشان نمیشود تا بوقت فرصت خودشان خارج شوند علاوه بر این بتوسط یکی از منسوبین خانواده که در اندرون سکونت داشتند پیغام داده و اظهار تاسف از لزوم آن اقدام که باعث زحمتشان شده بود نموده و گفتیم «حضرات مطمن باشند که کسی زحمت و تعرضی بایشان نخواهد داشت و میتوانند تازه آنیکه منزل دیگری برای خود ترتیب دهند در اینجا بمانند» امروز ساعت دو و نیم بعد از ظهر راهپورت تلفونی از صاحب منصب ایرانی که در باغ گذارده بودم رسید که چند دقیقه قبل سه نفر صاحب منصب که دو نفرشان از قونسلخانه روس و دیگری ایوب خان سرهنگ یرینگاد نزاق بود با لباس روسی و مسلح بدر باغ آمدند قزاقان با دست بایشان اشاره کرده که کسی اجازه داخل شدن ندارد صاحب منصب فزای مزبور از کالسکه پیاده شده و بطرف در باغ آمد افسران روسی فریاد کردند که «اگر بیشتر بروی قزاقان ترا یا گلوله خواهند زد» جواب گفت «نه» کتیکیمان بایشان گفتند «ما اجازه ندایم» بر حسب اطلاع صحیحی که رسیده روسها جای نوبین و تمهید را بصاحب منصبان و مامورین دولتی گذارده و پس از چند دقیقه بدون وقوع حادثه مراجعت نمودند *

دو روز ساعت شش عصر (قریب به عرب) راهپورت زبانی از مامورینیکه تهربی ضبط نمودن دولت آباد و منصور آباد فرستاده بودم رسید که پس از آنکه با دسته های خود در محل مرزور رسیده و حکم ضبط و تصرف آن دو ملک را برای کسانی که حاضر بودند خوانده و بسهولت تمام در دو ملک تصرف نمودند سپس مستعملین برای در معین شونده و وارد عمارت دولت آباد شدند پس از آنکه زمانی دو نفر افسر قونسلخانه روس با لباس روسی به همراهی چهارده پانزده نفر قزاقان روسی به تفرقه وارد شده و داخل تفرقه گردیدند یکی از افسران قونسلخانه روس يك دست صاحب منصب را در امری را گرفته

و يك قزاق روس دست ديگرش را و شروع بگردش و نجس لباس های آن افسر نمودند كه مبلدا اسلحه يا او باشد پس از دستگير نمودن افسر مزبور ژاندارمها را هم يك يك در امكانه متعلقه كه بودند دستگير نموده و اسلحه آنها را گرفتند و ايشان را در اطراف در تحت مستظفای سه نفر قزاق حبس نموده و از آنجا به منصور آباد كه فاصله دو كيلومتر است رفته و در آنجا هم همين كار را كردند پس از جمع نمودن مجوسين افسران قونسلخانه روس صاحب منصبان دولتي را يا خود حواری كائسگه نموده و ساير ژاندارمها را سوار الاغ نمودند و ايشان را به آنجاك مانند منصرين و مجرمين در تحت حراست قزاقها بقونسلخانه روس در طهران بردند *

در قونسلخانه صاحب منصبان روسي با افسران دولتي گفتند كه « چون شعاع السلطنه و سالار الدوله رعيت روس مبداءند » دو باره نبايد مرتكب چنين امری بشويد و پس از تاكيد زياد اسلحه و فشنگهای ژاندارمها را به آنها داده و ايشان را مرخص نمودند *

اما نتيجه اقدامات راجعه بملك جيزر كه نزديك فابك است بموجب راپورتيكه از دسته مأمورين آنجا رسیده اين شد كه بدون اشكال جيزر را اصلاح و مسالمت تصرف نمودند *

اقدامات راجعه باملاك سالار الدوله چون قدری دور است هنوز اطلاعي نرسیده است * اين راپورترا بدون اينكه عقیده صاف و خالص خود را اظهاره تمام نمیتوانم ختم كنم كه جنرال فونسل روس و صاحب منصبانش كلیه اقدامات ناجایز بغیر حق و قطعاً برخلاف قوانین سلطنت و استقلال دولت شاهنشاهی ایران عمل کرده اند اکنون میتوانم بگویم كه بعقیده خودم غایبندگان و مأمورينم با اشكالات دقيقه در كار بوده در تمام اقداماتشان با كمال صحت و عرافت و با نهایت صداقت رفتار نموده اند *

پس از حدود واقع مزبوره در مقاله يکروزنامه بر حسب اشاره روس درج و طبع شده بود كه مستر كرنز مذاكره كائفرانس (مشورت) با جنرال فونسل روس را نافض گذارده و قطع نمود يعنی در صورتيكه هنوز « كائفرانس باقی و نتيجه آن معمول بود مستر كرنز حكم ضبط و تصرف املاك مزبوره را تاثيراً بوضع اجرا گذارد » *

« همچو » كائفرانس » به آن قسم كه نوشته شده بود واقعاً حقيقت نداشته بلكه مستر كرنز بدون رسميت دوستانه مسوولاً بختانف را برای حلوكيری از وقوع هر حادثه

افسوسناکی که احتمال میرفت حلافات نمود وقتی که مستر کرنه منتشر شد که هیچ قسم اطمینان و توضیحات لازمه نمیشود که آن صاحب منصب متمدن را از وضع سلوکی که اختیار کرده و سعی در نفوذش داود منصرف نماید از قونسلخانه خارج شد در حالتیکه اظهار می نمود که در موقع تصرف املاک مزبوره امیدوارم هیچگونه اشکالی پیش نیاید * دو ساعت بعد از تصرف نمودن مأمورین خزانه پاریس شعاع السلطنه را دیده شد که مشیو پتروف (M. Petroff) و هلید براند (M. Hildebrand) یعنی همان دو ویس قونسل که روز قبل باقرائهای خود شان جمله اول را بدو باغ نموده و به مستحفظین توهین و فحاشی کرده و ایشان را تهدید بقتل نمودم بودند که شاید فراولان نادانرا مشغول نموده و صبر و سکونت را از دست داده مرتکب امری شوند که صاحب منصبان روس بعد ها تعبیر بشوهین دولت روس کند بعبارة اخری چون دیدند که کوشش شان در گرفتن املاک مزبوره با آنکه خلاف قانون بود بی نتیجه و خفتی ماند عمدتاً خواستند که دولت خود شان را در معرض معارضه و گرفتاری دوچار نیاند *

خوش بختانه بطوری دستور العمل های سخت و سناریات موکده براندارمهای خراشه شده بود که بکلی خود داری نموده و از محاشی و توهینات آن دو ویس قونسل دلاور که برای به دام انداختن ایشان بکار برده بودند از جا در رفته و قافیه را نه باختند ناچار مایوسانه مراجعت نموده و راپورت های بی اصل صرف دادند که بایشان توهین شده و حال آنکه خود شان بسبب قصد رفته بودند که مأمورین را بر انگیزانند و مستمسکی بدست بیاورند *

مشیو باختلاف ازادانه راپورتهای دروغ به پطر سرگگ داده و از وزیر مختار خود شکایت نمود بدلائل قوی باین دارم وزیر مختار در تمام این موارد افعال جنرال قونسل را انکار نموده است جنبدی بعد از آن مسالک رساله که دولت روس اختیار نمود فقدان حقیقی هر قسم نظم و موافقتی در وزارت خارجه روس کشف شد اگرچه تحقیق و تصفیه این گونه امور وظیفه نماینده دپلوماتی طهران بود ولی کاپیبه پطر سرگگ بواسطه عروج و اکثریت حزب اتحاد و ترقی معروفی که یکی از اعضاء آن مشیو کوکوتسوف (M. Kokoutsoff) بود از عناصر صدق و انصاف صرف نظر نموده و حمایت جنرال قونسل متمدن خود را بر توهین وزیر مختار شان ترجیح داد اهمیت دادن به راپورتهای دروغی باختلاف فقط باین ملاحظه است که موافق اعراض سرئی آن

بی اعتنائی و بی احترامیهاییکه وزیر مختار خودشان و وزیر مختار انگلیس نسبت به مسیو پاختانف مرعی داشتند مشهور هر عارف و عاوی گردید سر جارج بارکلی پندیرائی دوستانه هم از او تعی نمود و میگفت که حرکات پاختانف در ماه به شعاع السلطنه و انجمن کارهای عجائبن است و رابطه ما بین مسیو پاکلیوسی کریل و پاختانف بعد از دقیقی و نازک شده بود که در مجلس بال (رفص) روسی سالانه که نوزدهم دسمبر در سفارت روس منعقد شد نه خود جنرال قونسل شرکت در حضور داشت و نه فایلی و اجراء قونسلخانه اش و حال آنکه تقریباً تمام اروائی های طهران در آنجا حاضر بودند *

بعد از ظهر همان روزیکه خزانه های پاختانف را انداره های خزانه را از باغ شعاع السلطنه بیرون کرده بودند مسیو پاکلیوسی کریل از زرکنده محل پلاقلیس که چند میل خارج از شهر است جنرال قونسل را پای تلفون طلبیده و ملاحظه نمود که چرا در آن معامله مداخله کرده و مذاکرات سختی بتوسط بهمن مایینشان واقع شد آخر کار سفیر روس از پاختانف پرسید که آیا عذر موجه معقولی برای آن اقدامات داشته اید شخصی تالی جواب داد که دلالی برد من موجود است بعد از آن پاکلیوسی گفت اگر عذر موجهی نداشته بهتر است که فوراً مستعسکی برای خود تحصیل کنید زیرا که خزانه دار با تلفون از این اقدامات شکایت نموده است پاختانف جواب داد که عنقریب « بعضی نوشتهجات را خواهم برستاد » (۱) پاختانف مرا راضی به بانک استعراض روس برستاد که فرار داد نامه نور به را که شعاع السلطنه در چند سال قبل در موقع ترتیب و تهیه شروط فرار داد حلق محمد علی بانک مزبور سرده بود بگردد شعاع السلطنه نوشته مزبوره را باین امد به بانک روس سرده بود بانک بتواضع معاونت آن سند دویمت و بیست و پنج هزار تومان از دولت مشروطه وصول نماید باین بهانه که شعاع السلطنه (برادر شاه مجاور) آتیلع را به بانک مقروض است و حال آنکه مشهور بود مشارالیه عوض قرص مقدار کثیری از بانک طلبکار است حقیقت شرح فوقی را حدی بعد نتوانستم بوسیله سواد و دیت نامه که میل از رفتن از ابراس نوشته بود ایت و مدالی تمام قصد

() تمام مکالمه وزیر مختار روس و پاختانف در همان شب بتوسط شخص ایرانی که مستخدم تلفون بوده و زبان روسی را خوب میدانست ثبت رسید خود او این مذاکرات را بگوش خود شنیده بود *

بانك روس كه ميخواست به مكر و تقلب آن مبلغ شكفت را از دولت پيچاره ايران وصول نمايد بضمي بر عهده مكشوف بود كه وزير مختار انگليس از دولت ايران طرفداري نموده و آن خيال فاسد بي اصل را خنثي نگه دارد اين كاغذ حلي بود كه پاختانف توانست اقامه ادعای خود را بنماید كه باغ شعاع السلطنه در بانك روس رهن میباشد مأخذ صحیح حسابات شعاع السلطنه با بانك از محل مهربانه موافق فوراً بمن رسید و همین بدست آوردن پاختانف نوشته مر بوره را در همان روز از بانك روس دولت روس هرگز برای اثبات ادعای خود هیچ گونه اظهاري هم نه نموده بود كه بانك روس در املاك شعاع السلطنه غرضي يا حقي داشته است (۱) *

هشتم اوت (دوازدهم شعبان) كه دولتین روس و انگليس شروع به تهدید دولت ايران نموده بودند تا از مستعدي ما رور استوكس برای تشكيل زائد امری خرابه صرف نظر نماید در این موقع شروع باستحكام روابط دوستانه غیر رسمي با مسيو پاكيوسكي كزیل و سر جارج باركلي نموده و سعی میکردم كه ایشان دولت متبوعه خود شان را از فوائد ترك مخالفت و سلوك بی انصافانه نسبت ايران بيا نگاهانند به عقیده من

(۱) ترجمه ماده چهارم و ششم وصیت نامه شعاع السلطنه

ماده چهارم

در این تاریخ مبلغ شانزده هزار تومان بحساب جاری در بانك استقرامی « روس » دارم و فریب بیست هزار تومان هم در بانك شاهنشاهی دارم ولی بواسطه اختلافی كه در بین است وجه مزبور را نداده و بدون عنوان صحیح قانونی آنرا نگاه داشته اند او صیاء من سعی و كوشش در وصول آن کرده و حق و ربه سفار مرا امدت نموده و بگذارند از بین رود

ماده ششم

در این تاریخ فروغن من فقط مختصر است به يك طعرا سید حمل و شش هزار تومان به مادرم رهن السلطنه كه مبلغ سه هزار تومان از آن برداشته شده و چهل و سه هزار تومان دیگر بر ذمه من باقی است بوجب سدی كه پانسیاء و حظ « محض الدوله می باشد »

علاوه بر مبلغ مزبور كه تا دارم مدیون میباشم دیگر بوجه من الوجوه دهباری اسدی مقروض نیستم و اگر کسی سدی ایراز نماید تكلی مجهول و از درجه اعتبار ساقط است و هیچ مدعی و ترسی غیر از نموده و یادگر کسی ندارد

آن دو شخص معتزم هر دو اعتراف داشتند که آن اظهار بسیار مناسب و بجای بوده و معطل به هیچ غرضی نباشد مگر امید حصول معاونت کافی برای امر بسیار مشکلی ولی خیالات کابینه بطرسبرگ بکلی مخالف با اصلاح سریع امور مالیه ایران بود دولت روس یقین حاصل نموده بود آن نوعی را که از امورین بلجیکی گمرک داشته از مامورین امریکائی نمیتواند امیدوار باشد اگر چه معلوم نیست ذکر این مطلب هم در اینجا بوقوع باشد (یعنی آن مسلکی را که مامورین بلجیکی گمرک در تحصیل رضای دولت روس پیش گرفته بودند احتمال نبرفت که مامورین امریکائی خزانه آن وسطک را پیروی نمایند * مترجم)

بالاخره یازدهم اکتوبر (بیست و یکم شوال ۱۳۲۹) مسیو پاپا کلیوسکی مرسله بین نوشت که دولت متبوعه اش مکتوب اعتراض خود را در باب استخدام مازور استوکس پس نخواهد گرفت (یعنی استخدام مازور مزبور را هیچگاه نخواهد پسندید) از اقداماتی که دولت روس برای برهم زدن استقراض چهار میلیون لیره با سود مناسبی که با اعضاء کیانی سلیمان و برادران لندن مشغول مذاکره و تصفیه شروط آن بودم نمود و از این طرز اظهار مخالفتش در مسئله استخدام مازور و از مسالک جدیدی که در معامله شعاع السلطنه اختیار نموده بود برای وکلاء مجلس و من یقین حاصل گشت که دولت روس مصمم شده است که از حالات و مواقع بسیار بریشان اروپا و ضعف بسیار آشکار وزارت خارجه انگلیس در روابط با روس راجع به معاملات ایران مواقع را غنیمت شمرد و فایده یز گیرد *

بواسطه محروم شدن از خدمات مازور استوکس که منج ترقی ابدی ایران میشد و از دست رفتن فوائدی که از استقراض چهار میلیون لیره معهوده برای افزونی مالیات و اصلاح امور مالیه متصور بود تمام امیدوارپهائیکه برای اصلاح و تکمیل امور مالیه دولت ایران داشتیم مبدل بآس گردید در این موقع مناسب ندانستیم که وقایع مزبوره پیش از این در پرده استتار بماند هفدهم اکتوبر (بیست و سوم شوال ۱۳۲۹) در اثناء گفتگوی با وقایع نگاران تمس لندن و وکیل روزنامه روئر موقع یافتیم که اظهار نماییم که از منصرف شدن روس از اقدامات جا برانه خود و مجبور نمودن دولت ایران را به ترک استخدام مازور استوکس و سکوت تام انگلیسها در این اجبار بخوبی ظاهر میشود که دولتین حقیقه مایل بتطمین و اصلاح امور مالیه و ترقی ایران نمیباشند چون وقایع نگاران مزبور خودشان بوقت و موقع حاضر بودند بتوضیحات لطیفه اقداماتی که برای خنثی

فامند نمودن کوششهای من شده بود بخوبی برخوردار و ملتفت شدند ولی چون روزنامه تمس لندن که آنگاه نیم رسمی وزارت خارجه انگلیس شناخته میشود در نمره نوزدهم اکتوبر بیانات مرا به بی انصافی و بی حقیقتی حمل نمود مجبور شدم که از آن جمله و اتهام دفاع نموده و عموم ملت انگلیس را از حقیقت امر بآگاهانم باین امید که شاید دولت انگلیس کوشش کرده و دولت ایران را بگذارد که آزادی و استقلال خود را محافظت نماید چنانچه آن دو دولت هر دو رسماً رعایت احترام آن آزادی را نمید
نموده اند *

توضیح مختصری از حقیقت حال حاضره نوشته و پس از مشورت با عده از ایرانیان محترم و امضاء و تصویب غیر رسمی کابینه بیست و یکم اکتوبر مکتوب سرآزی (علنی و با امضاء) به اداره تمس لندن فرستاده و خواهش درج آن را نمودم (۱) *
مراسله مزبوره در نمره دهم و یازدهم نوا بر تمس اشاعه یافت وقتی که نمره اول آن رسید وزیر مختار انگلیس شخصاً پیش من فرستاده و سوادان مراسله را از من خواست من هم سواد مزبور را برایش فرستادم و روزنامهجات انگلیس با توضیحات و تشریحات مختلفه مراسله مرا استقبال نموده و بهین ملاحظه در مجلس و کلاب عمومی توضیحات و سئوالات متعدده از وزیر خارجه انگلیس شد *



— ❦ — باب ششم ❦ —

اولتیماتوم اول دولت روس بدولت ایران رأی دادن و نصیحت کردن دولت انگلیس به قبول آن معذرت خواهی دولت ایران اولتیماتوم دوم روس *
تا او آخر اکتوبر (اوایل ذیحجه ۱۳۲۹) دولت روس عساکر خود را در انزلی برده نموده و در باد کوبه نیز قشون فوق العاده حاضر و آماده کرد در این موقع دولت انگلیس هم بدولت ایران اطلاع داد که « دو اسکاترن » (دسته) سواره هندی به بوتهر که واقع در ساحل خلیج فارس است خواهد فرستاد این فرج بسمت شیراز برای محافظت فولسلخانه و انگلیس روانه خواهد شد *
سردار کفتش زرد یعنی سردار همی اول کسی بود که پیشتر از همه برای تهیه مور

(۱) تضمین « ج » رجوع شود *

خانه ولوازم جنگی پول از من گرفته بود در بدر جز آن تر آنکه آن حدود شکست خورد
 قونسلخانه روس و کشیهای جنگی آن دولت هر دو علناً بهساکریانی معاونت و امداد کردند
 دوم نوامبر (دهم ذیحجه ۱۳۲۹) مسیو پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس
 و زارنخارجه ایران آمده و از طرف دولت متبوعه خود شفاهاً مطالبه و پروتست کرد
 که ژاندارمری خزانه را فوراً از بارگک شجاع السلطنه برداشته و آن محل را تسلیم قزاقان
 ایرانی نماید و نیز مطالبه نمود که باید معذرت رسمی از سفارت روس برای هتک شرف
 و احترام صاحب منصبان قونسلخانه اش بعمل آید ولی شکایت و پروتستهای دولت
 ایران و اجماع مداخلات روسها در معاملات داخلی و امور مملکتی و شکستن صوت
 سلطنت ایران ایداً اشتهائی ننموده و مراسله تشکوائیه دولت ایران را رد نمود در صوریکه
 قبل از آن اتفاقات مراسله مزبوره را گرفته و رسیدن را هم داده بود *

وزیر مختار مزبور اظهار نمود که از طرف دولت متبوعه خود مأمورم که جواب
 صریح نوری لاونسم از کابینه دولت ایران بگیرم *
 وزیر خارجه دولت ایران جواب داد که در این معامله مهم بدون مشورت با هیئت
 وزراء هیچ کاری نمیتوان شود *

بعد از دو روز بخت و مذاکره کابینه ایران از من رأی خواست که اختیار کدام
 طریق را برای ایتان انسب و اولی است در صورتیکه از طرف من بکلی تمناشی و امتناع
 از مداخله در این گونه امور شده بود رأی خود را بدین طریق اظهار نمودم که اگرچه
 مطالبات دولت روس بکلی خارج از قانون و طمانانه است ولی اگر کابینه دولت ایران
 در حفظ حقوق و استقلال خود عهد و ثبات قدم باشد انعام این معامله بسیار مشکل و
 محکم خواهد بود *

همان روز که اولتیماتوم زیانی داده شد واقعه دیگریس آمد *
 بعد از کوششهای پهنایه بسیاری که ملاکین و مضمولین طهران برای عدم تأدیه
 مایات املاک خود نمودند عدم قبلی ژاندارمری جزانه را فرستادم که موافق رسوم معموله
 مملکتی مالیات املاک ایشان را بقوه خبریه وصول نمایند یکی از مشاعیر ایشان پرنس
 علاءالدوله بود که یکی از ارکان خانواده سلطنتی و حاکم سابق شیراز بوده *
 چون آخر کار علاءالدوله رئیس مأمورین خزانه را که بجهانه مشارالیه فرستاده بودم
 از خانه خود بیرون و هتک شرف مأموردوانی را نموده بود رئیس سزبور را به راهی

بسیار نفوذند و خزانه فرستادم که بر درب خانه او ایستاده و آنجا را توقیف نموده و به رئیس اطلاع دهند که تا وقتی که مالیات دولتی خود را نپردازد اموال او ضبط خواهد بود. علاءالدوله از دردی که خود بیرون رفته و خود را بخانه مصمص السلطنه بختیاری رئیس الوزراء که نزدیک بخانه او بود انداخته و با چشم های پر آب از وضع رفتار و حیثیت ما مورین خزانه که نسبت با او سلوک نموده بودند شکایت کرد چنان در دل رئیس الوزراء دوست خود اثر کرده و بطوری دل رئیس بختیاری را رهفته و فریب داد که امیر مجاهد برادر رئیس مزبور برای راندن افسران زاندارمهای ما مورین خزانه ما مور شد امیر مجاهد بواسطه اینکه محاسبات و مطالبات کلی که برای مصارف سواران و اتباع خود مطالبه نموده رد و انکول کرده بودم و با بجهت هتک شرافت و عزت او شده دشمن جانی من بود مشارالیه با سر علاءالدوله که سر ملک رزقانی جدید بود بدسته از سواران بختیاری بمنزل علاءالدوله رفته و بیا مورین و زاندارمهای خزانه که هیچ همیو گانی نمیکردند حمله آورده و با چوبهای بزرگ و زین آنها رازده و تفنگ های آنان را گرفتند این واقعه در عصر تنگی واقع شد *

روز دیگر از طرف مصمص السلطنه رئیس الوزراء راقعه مینی بر اعتراف با اقدام خود در آن واقعه بمن رسید من جواب دادم که باید فوراً عذر خواهی کامل کتبی از واقعه مر بویه نموده و مرتکبین را سزا و مجازات داده و مالیات معبوضه را فوراً ادا نماید روز دیگرش رئیس الوزراء در مجلس هیئت وزراء عذر خواهی سردانه نموده و معذرت نامه جدا گانه کتبی نیز فرستاد و گفت که من سرد معمر تشد مراجعی میباشم چون رئیس علاءالدوله با چشم های پر اشک خود را بخانه من انداخت « از حالت طبیعی خارج شد » *

مصمص السلطنه تشک های زاندارم خزانه را علیاً و علی رؤس الاشهاد بتوسط معاون نظامیش و سواران بختیاری رد نموده و تمام مالیات مزبور را بجز پرداخت آن و نتیجه این قضیه بسیار مفید و با اهمیت بوده و نا بن واسطه درجه عزت و شرافت خزانه بسیار بلند شد بسیاری از اسراء و شاهزادگان دیگر که خیال مخالفت و سرپیچی از این قانون داشته فوراً مالیات خود را پرداخت نمودند اگر این تشک شرف زاندارم خزانه اهمیتی داده نشده و قضیه مسکوت عنه می ماند بهتر از همه این بود که اداره خزانه را ترک و تعطیل نمایم در ایران این گونه واقعات را بسیار اهمیت داده چه حکام بزرگ و چه

ادانۀ مأمور دوائی مجبور و متعبد اند که ششونات خود را حفظ نمایند *

ششم نوامبر (چهاردهم ذیقعده ۱۳۲۹) یعنی بعد از چند روز که کابینه در این باب (راجع بمسئله اوانتیماتوم) مذاکره و مشورت نمود یکی از صاحب منصبان وزارت خارجه را بسفارت روس فرستاد که شفاهاً جواب اوانتیماتوم روس ها را بگوید. جواب دولت ایران حاوی اظهار مسلك جلیل القدر (مشروطه) و وعده تحقیق کامل در حقیقت واقعه شعاع السلطه بدون طرفداری از کسی *

در این موقع جرائد ایران تهدید و تحویف غریبی بدولت روس برای تصرف کردن ایالت گیلان و بلوک نوالش کردند بدون شك دولت روس از تبات ایرانیان و طرز جواب گفتشان بسیار متعجب گشت *

هفتم نوامبر (پانزدهم ذیقعده ۱۳۲۹) مراسله از سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس بمن رسید وی خواهش ملاقات کرده بود برای اینکه تلگرافها را که دولت متبوعه اش باو بخاره نموده ارأه نماید روز بعد حسب المقرر آمد تلگراف مزبور از طرف سر ادوارد گری سر جارج بارکلی بود که سر مطلع نماید از اینکه تعیین مسیول کفر که از رعایای انگلیس بوده بسمت تفتیش و نظارت مالیه تبریز باعث بهانه و اعتراض دولت روس برای حفظ منافع خود در آن حدود خواهد شد و خوف این می باشد که ایالات شمالی ایران را تصرف نماید از طرز گفتگوی وزیر مختار انگلیس بر واضح بود که آن تهدید بانباره روسها بوده منتهی از برده وزارت خارجه انگلیس جلوه نمود مأموریت مسیول کفر به تبریز حقیقهً چند هفته قبل از آن تاریخ معین و تصفیۀ شده بود که خرج ترانسی های دو ساله آنجا را که تقریباً يك ملیون تومان میشد تحقیق و تہیش نماید مسیول کفر یکی از معاونین معدود اروپائی من بود که زبان فارسی را میدانسته و از استکالات و پیچیدگیهای که در طبقه وصول مالیات بود اطلاع کامل داشت و در تبریز هم مدتی اقامت داشته و از معاملات آنجا بخوبی مسیوق بود از اعتراضات دولت روس در باب مأموریت مسیوی بر بور خیلی متعجب شدم و حال آنکه از دو سال قبل در وزارت مالیه در طهران بخدمت بزرگ محترمی مشغول بوده و چنانچه مشهور است طهران هم یکی از بلاد منظمه روس یا شمالی ایران محسوب میشد منتهی فرستادن مسیول کفر برای انجام مأموریت خاصی از طهران که بکفطه شمالی است به تبریز تبدیل از نقطه شمالی به نقطه شمالی دیگر بود *

من بسر جارج بارکلی جواب دادم که همواره مترصد و مائل به این امر بوده و می
باشم که حقوقی مشه قانونی دولت روس و سایر دول را در ایران حفظ نمایم اما چنانچه شما
میدانید در این معامله نمیتوانم بیشتر از مسئله استوکس تسلط دل بجوای دول اجنبیه را
در مملکت ایران اعتراف کنم زیرا که دولت ایران رسماً و قانوناً نفوذ اجانب و انکار
نموده است و من اجازه ندارم بیشتر از یک مرتبه این گونه معاملات را رعایت نمایم و نیز
این مسئله را ضمیمه جواب خود قرار دادم که اگر دولت روس در امور واجبه من
اظهار دوستی نماید تمدن و ضایعات کمال مراعات را در صرفه و صلاح دولت سرپوره
خواهم نمود *

چون سر جارج جوابهای مرا شنید مانند مرتضی که دار و خورده باشند متغیر گشته
و بدون هیچ نتیجی مراجعت نمود *

یازدهم نوامبر (نوزدهم ذیحجه ۱۳۲۹) مجلس با اتفاق آراء قانونی وضع نموده و بین
اختیار داده بود که ده نفر امریکائی را بعنوان معاونت مالیه کمترات و جلب غایم *
همان روز وقت ظهر مسیوزایرس (M. Giers) منشی امور ترقیه و توسعه روس
کتاباً مطالبات قدیمی روس را از دولت ایران تجدید نمود مسیوی مر بور اظهار نموده
بود که اگر چهار و هشت ساعت این مطالبات قبول نشود روابط پانسیکی دو تنین قطع
خواهند شد *

روز نامه نس لندن در «آرکیکی» بر جواب من تنقید کرده و در آخر سرا منم
کرده بود که طرفداری وطن پرستان ایران را نموده ام من نمی توانم تصور یکم که مقصود
نس طرفداری کدام کس و کدام فرقه بود که نکرده بودم در صورتیکه مشغول بخدمت
دولت مشروطه بودم *

همین وقت بود که کاغذ من در ایران بفارسی ترجمه شده و بعنوان رساله طبع و
انتشار کامل یافت بواسطه این اتهام روز نامه داخل «لندن» فوراً و علناً اقدام بطبع و
انتشار رساله مرپوره نمود اگرچه من هیچ قسم طرفداری و مداخله ننموده بودم *

تا یازدهم نوامبر (نوزدهم ذیحجه ۱۳۲۹) بواسطه اسبابی که روسها ظاهراً برای
صرف حدود شمالی ایران فراهم نموده بودند کابینه ایران در خوف و هراس افتاده و با
دولت انگلیس مشورت نمود که چه مسلکی را اختیار کنند سر ادوارد کری فوراً انکاراف
مصیبت آمیزی کرده و رأی داد که اولتیماتوم روس را فوراً قبول کرده و معذرتی بقتضای

باب هشتم

میل و رضایت دولت روس نیز بخواهید *

صمصام السلطنه رئیس الوزراء امر نمود که تمام ژنرالها خراته را از باغ شعاع السلطنه بردارم همچو ظاهر میشد که این سردار محرم ساده لوح از چند روز قبل در تحت تسلط و اقتدار دولت روس در آمده بود و کلاً مجلس قدری در صداقت و خلوص مشارالیه سوء ظن پیدا کرده بودند *

بعد از آنکه حکم مزبورین رسید در صورتیکه برخلاف حکم سابق که در خصوص ضبط و توقیف املاک شعاع السلطنه صادر شده بوده تنها امضاء وزیر اعظم را بعضی امضاء هیئت وزراء داشت چاره غیر از جواب ذیل نداشتم که بگویم تا مادامیکه این حکم امضاء هیئت وزراء را نداشته باشند حکم اولی را نسخ و باطل نخواهد نمود و آنها را مجبور نمودم که با املاک مزبوره را در تحت محافظت و سرپرستی فرستادگان من باقی گذارده و با مسئولیت کلیه امور را به دیگری رجوع نمایند *

در این موقع پییدگی و انقلابات بحران کابینه شروع شده و بطوری کارها منبوش شد که وزیر مالیه در معاینه بر کسی که میرسید می گفت «استعفی شده ام» در صورتیکه روز بعد در کابینه مالیه مشغول بکار خود بود *

هجدهم نوامبر (یاست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۹) مفارقت روس بدولت ایران رسماً اطلاع داد که چون مواد اولیایا نوم قبول نشده و رابط پلیتیکی بین دولتین منقطع است ولی معاملات تجاری کافی السابق بنوسط قونسل خانه روس جاری و باقی خواهد بود سمیرت کرد که چهار هزار نفر تشون روس از قفقاز به بطرف ایران حرکت نموده *

اعضاء کابینه ایران پس از دقت و شور بسیار در عمل کردن به نصیحتهای سر ادوارد گری که مشعر بر قبول خواهشهای روسها بود متفق الرأی شده و برای من حکم کتبی فرستادند که املاک شعاع السلطنه را «امورین روس» تسلیم ورد نموده و ژنرالها را بکلی از آنجا بردارم پس املاک مزبوره را رد نموده و رسیدن کامل میل و سایر اشیا را گرفتیم *

ظاهر است که نا آن وقت وزارت خارجه انگلیس از این مسلك و حرکات وحشت آنکیز روسها فرسیده و بهمین جهت دولت ایران را بقبول فوری اولیایا نوم روس نصیحت نمود که شاید تشون روس را از آن پیش قدمی باز دارد و از این رو پارلمان انگلیس به شکستن روسها مواد عهد نامه ۱۹۰۷ را نتواند اعتراض کند *

در این اثنا هیئت کابینه جدیدی تشکیل و معین شده و در معذرت خواستن از روسها متفق الرأی شدند *

باین جهت بیست و چهارم نوامبر (دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وثوق الدوله وزیر خارجه ایران با اباس و هیئت تمام رسمی بقونسلیخانه روس رفت و دست وزیر مختار روس را گرفته و گفت «جانبائی از طرف دولت خود ما مور میباشم که بواسطه بد سلوکی که نسبت بفرستادگان جنابعالی در خصوص املاک تسامع السلطنه شده از شما معذرت بخواهم» بعد از آن يك مضحکه دیپلماتی واقع شد که فقط کابینه روس که تمدن را پشت سر براده و پس پا زده مرتکب آن شد *

وزرا ایران ظاهراً یقین کرده بودند که ذلت خود و تحویل املاک مزبور به غضب روس هارا تسکین داده و معامله را یکی خائنه خواهد داد ولی آن وزرا جاهل نادان ایران حقیقت اراده پلیدی روسها را بخاطر نیابورده و مشتت نشدند راعی گشتن کابینه بتطالبات روسها آخرین آرزوی روس نبود اگر روس ها حقیقه و فی الواقع فقط عزت و سرافت ماورین متمدن خود را طالب بودند معذرت و توفیق الدوله معامله را یکی ختم مینمود ولی خواهش اصلی روسها این بود که میخواهند بهانه بدست آورده که قشونشان نقاط شمالی ایران را اتعال و تصرف نماید زیرا که حقیقه قبل از فرستادن اولتیماتوم شروع بکار نموده بودند سر ادوارد گری بتوسط سفارت انگلیس مقیم طهران کابینه ایران را اطمینان داد که اگر معذرتی از روسها خواسته شود و او قشون روسهم داخل ایرات شوند خارج خواهد شد ولی معلوم نیست که سر ادوارد گری کدام وثیقه و اطمینان و بموجب کدام حکم دولت ایرانرا بقبول خواهشهای روس رأی و اطمینان داد *

وزیر مختار روس در موقع عذر خواهی و توفیق الدوله و اظهار رضایت ایران بقبول مطالبات اولتیماتوم اولی روس ظاهراً راعی گشت ولی به او حکم شده بود که و توفیق الدوله را از اولتیماتوم دیگر که در شرف طلوع است اطلاع دهد *

تجیری که بواسطه این تسخر و حشیانه از صورت آن نماینده ایران ظاهر گشت تصویرش بسیار مشکل است وزیر مختار انگلیس آن ملاقات معذرترا معین نموده بود چون اتفاق تازه در آن اوقات واقع نشده بود که از او احتمال این گونه حرکات برود بد واضح بود که اراده روس وارد کردن فراق بتعالی ایران بوده ولو دولت انگلیس هرچه

بگوید و یا دولت ایران هر چه بکند انتظاری و امیدواری که روسها از دیر زمانی داشتند که از یک طرف هندوستان و از طرف دیگر بخشج فارس برسند وقت آن رسیده شعبه آتش میایی سراکو بدرجه مشتعل بود که روسها یقین نموده بودند که از طرف انگلیسها هیچ گونه اعتراضی در اقداماتشان بعمل نخواهد آمد *

دولت روس بر حسب وعده خود ظهیر بیست و نهم نوامبر (۵ هتم ذیحجه ۱۳۲۹) اولتیا نوم تالی خود را اظهار نموده و مطالبه کرد که در ظرف چهل و هشت ساعت باید قبول شود *

مصوب مراسم اولتیا نومی روس بدرجه مهم بود که مناسب است سواد آفرا در اینجا نقل تمام *

ترجمه سواد اولتیا نوم تالی روس —

چنانچه روز جمعه بیست و چهارم نوامبر (هتم ذیحجه ۱۳۲۹) انتظار اظهار حاصل نموده بودم منتظر حکم دولت متبوعه خود بودم که اسبابی که دولت روسرا مجبور با اولتیا نوم دیگر نموده اظهار تمام احکام مزبوره اکنون بن رسیده و از انجمله از جانب دولت روس انتظار اظهار مطالب ذیل را بجناب عالی حاصل می کنم *

انفصال مستر شوستر و مسبول کفر از خدمات مرجوعه شان آکلیف سایر مامورین امریکائی که مستر شوستر ایشان را انتخاب نموده تا بیا معین میشود *
اطمینان و وعده صریح دولت ایران که بدون رضایت سفرای انگلیس و روس ما موریان احتیجه برای خدمات خود انتخاب نکند *

اداء مصارفیکه جبران خسارت دولت روسرا در این لشکر کشی و سوق عسکر بنیاید *
تعین مقدار و طریقه تأدیبه خسارت مزبوره بعد از رسیدن جواب دولت ایران معین خواهد شد *

مقررات ذیل توضیحی است از طرف وزیر مختار روس بر این اولتیا نوم :-

من از فرائض خود می شمارم که اسبابی که باعث این حرکت روس شده بیان نمایم *
اولاً دولت روس برای جبران حرکات مستر شوستر که باعث هتک سرف مامورین دولت مشارالیه شده بود مجبور گردید که بایران سوق عسکر نماید *

ثانیاً خواهش اصلی دولت امراطوری این است که مرجبات حقیقی مخالفت بین دولتین رفع شده و در آئینه نمایندگی نماید که عمارت دوستی و روابط مودت محکم بین

دولتین برقرار ندارد و حل جمیع مشکلات روسرا حتماً هنوز باقی است باطمینان و زودی بکند *

ثالثاً با وجود اسباب مذکوره فوق لازم است که بگویم: دولت امپراطوری روس بیشتر از جهل و هشت مسامت انتظار اجراء خواهش های سابق الذکر خود را نخواهد کشید و در این مدت نشون روس در رتت خواهد ماند و اگر جواب اطمینان بخشی برسد بعد از انقضای مدت مبروره نشون روس پیشقدمی خواهد نمود و بدیهی است که در این صورت وجه خساره روس زیادهتر خواهد بود *

اری که این «مطالبات» تحقرا نه بکاینه و مجلس و رعایای ایران نمود در تصور بهتری کجید تا در تحریر *

عبارت آن اولتیماتوم که بفارسی نوشته شده بود بطوری موهم بود که معنی آن واضح نمیشد خصوصاً در مقامیکه مطالبه «چیزان و جریمه» نموده و در ذکر «حل مشکلات روس بزودی و اطمینان که هنوز باقی است» اشاره شده بود *

هراوقت که آن اولتیماتوم داده شد رفته از وزیر مختار روس رسید که بدولت ایران اطلاع داده بود «بواسطه تلگرافی که زمه السلطنه مادر شعاع السلطنه به امپراطور و امپراطریس دولت روس نموده مسارالیهبا و تمام املاک شعاع السلطنه در تحت حفاظت دولت روس در آمده» خام مشرانیهبا از رعایای ایران بوده و دولت روس بواسطه تلگرافی که باو نموده او را از این فید آزاد نمود *



— ﴿﴾ باب هفتم ﴿﴾ —

بلوهای راجع بامر بان رد نمودن مجلس اولتیماتوم روس را حمله نمودن و داخل شدن فشون روس بایران نکته مستعد تمدن ایرانیان برای مقابله و مدافعه اقدامات زنان ایرانیان در آن امر انفعال مجلس بواسطه ترستی و حالکی بیست و چهارم دسامبر * در اولتیماتوم بیست و نهم نوامبر (هفتم ذیحجه ۱۳۲۹) روس از دولت انگلیسهم اسحی برده شده بود اگر چه وزیر مختار انگلیس علی الظاهر مداخلتی در آن امر نداشت قبول نمودن ایرانیان فقرات اولتیماتوم روس را مانند تسلیم نمودن سلطنت خودشان بود بروس و انگلیس بعد از اندک مدتی از وصول آن اولتیماتوم در المان انگلیس از سر

ادوارد گری توضیح خواستند که چرا اسم دولت انگلیس نیز در آن اولتیماتوم تریک شده
 جواب داد که با تمام مطالبات و اظهارات روسها هم عقیده می باشد مگر فقط شرط اداء خساره
 روس ها را که ممکن است استثنای نمود زیرا که تأدیه این مبلغ برای افواج ایرانی که
 مستحفظ راههای تجارتي انگلیس در جنوب میباشد احتیال ضرر داد و ممکن است
 از این راه نقصان کلی به تجارت انگلیس وارد شود گویا فقط همین یک مسئله بود که
 وزارت خارجه انگلیس بتواند با اولتیماتوم روس مخالفت نماید سر ادوارد گری در
 انباء اظهار خیالات خود سرا بصری متهم نموده بود که «ساعت سیاست ایران را بدکوه
 کرده و عقربك آن را برگردانیده» و همین جهت تا کامیاب شده و باید از ایران روم *
 نائب السلطنه بعد از ظهر بیست و نهم نوامبر بعد از گذشتن دو ساعت از وصول
 اولتیماتوم روس سرا نزد خود طلبیدند دوست قدیمی من هم محترم السلطنه که عمرمانه
 یا اصمصام السلطنه رئیس الوزرا را متحد شده نیز در کابینه والا حضرت بود *
 نائب السلطنه گفتند که دولت ایران در «مسئله نان» خیلی مضطرب و پریشان
 می باشد *

در ایران کمی و زیاد نان سبب آزمایشی است برای بقایای تغییر کابینه و حکومت
 مهمترین مآکولات و نفوت غالب مردم ایران نان گندم است چنان نان خصوصاً در
 شهرهای بزرگ در خانهها معمول نیست بلکه در صندها و کانهای بازاری نان بقطع و
 پارچه های بزرگ بسته میشود که تقریباً قطر و ضخامت آن نیم لیج است مردم آن
 نانها را مثل کاغذ انفاذ قرار میدهند در راهها دیده شده که قطعههای پنیر یا بعضی میوهها
 را در آن می پیچند *

در موسم درویدن گندم در وقت تابستان دولت يك قسم مالیهاتي از محصول آن
 میکرد در حوالی پای تخت و شهرهای بزرگ کدسهای دولتی را در انبارهای دولتی
 جمع میکنند که مردم در موسم زمستان و سردود شدن راهها دسترسی بگندم خوب
 ارزان و قروان دانسته باشند از زمانه درازی که ابتداء آن معلوم نیست این تدبیر معمول
 به دولت ایران است و اگر این مال اندیشی را نمیکرد و کندمها را پس از جمع شدن
 بفروشد اعیان و مشو این نقاط حاصلخیز عمیق شده و مقدار کدمی که روزانه برای
 نانواهای بازاری لازم میشود بیل خود بهر نرخ و قیمتیکه بتواند گران کرده و
 میفروشند از انجمنه صوراً نان گران و کمیاب شده و «تاوی» بلوهای سخت شروع

میشود برای جلوگیری از اینگونه اتفاقات عادت دولت بر این میباشد که از ابتدا باین مقداری کتدم بقیامت عادلانه بانواها میفرشد و باین تدبیر توجه و خیال هموچویرا که دولت کتدم دارد جلب نموده و قیامت کتدمرا معادل نگاه داشته و خیالات «سوسیاتی» (مجامع) ملاکین را در هم میسکند *

همین فقره نان و کتدم بود که ایب السلطنه و کابینه را بزحمت و تشویش انداخته بود در شمالی ایران خصوصاً حوالی طهران حاصل زراعت کتدم بسیار کم عمل آمده بود این کمی کتدم بیشتر بواسطه خشک سالی و کم آبی و عات دیگرش بی نفسی و پامال شدن و غارت زراعت که از ابتدا ورود محمدعلی به ایران شروع شده و جاری بود سپس جنگهای کوچک تابستان و طول اقامت و توقف صدۀ بسیاری بختیاری و سایر فشنون و افواج غیر منظم در حوالی پایتخت فاطرحیان و تندر داران و سایر مکاریان را ترسانیده و فرارانیده بود در صورتیکه مکاریان در نور محل اعتماد مردم نموده و ملاکین همیشه بتوسط همین مکاریان کتدمهای خود شانرا حمل بشهر می نمودند *

وظیفه و تکالیف خزانۀ دار فقط همین قدر بود که مالیات و حقوق دیوانی کتدم را مثل مالیات جو و برنج و کاه و پنبه وصول کرده و کتدمها را حمل بشهر نموده و تقسیم نماید در موقعیکه کابینه امر نمود که کتدمهای انبارهای دولتی و مقدار و محل حمل آن را که برای عمال و مباشرین آن انبارها بسیار بر فائده و بار آور بود در تحت حفاظت و نظارت خود در آورم به آئینده خطرناکی مصادف شدم *

بهمین مناسبت کوششهای بی اندازه و معیبهای فوق العاده نمودم برای جمع آوری کتدم از نقاط بیدیه و رسانیدن تبرکز قبل از آنکه راهها (بواسطه سردی و بارندگی) مسدود شود و تبرکوشش کردم که اعضاء بلدیۀ طهران را از جمع کردن مال و ثروت بواسطه فشار و تنگی دادن مردم از مجرای نان چنانچه معمولشان بود بازدارم. مضمونین ارتجاعی متعددی که برخلاف طرز حکومت حاضرۀ آن زمان بودند دائره «انحصاری» تشکیل داده که از آن حطب منافع شخصی و نیز بریشان نمودن حکومت مشروطه حاصل می شد *

به نایب السلطنه و کابینه گفتم اگر بخواهند در این امر مهم اقدام نموده و مرا سا کم یا دیانت طهران فرار دهند در قبول و انجام آن حاضر خواهم بود ایشان وعده نمودند که تدبیر و تبدیلات لازمه خواهند داد ولی در حسب معمول با اندازه ناخبر افتاد که اوضاع

باب هفتم

بدتر شده و بی دریغ بلواهای کوچک و مختصر واقع شده و بسملت رفع میشد *
 راجع به بن اسر آن قضیه تا کواری پیش آمد يك ثانوی معروف بدینامی بود که
 از اعضاء عمده اداره « انحصار نان بلدیہ » و بزرگترین متقلب و مضر بحال خزانه و
 مشهور بود که چند مرتبه در زمان ریاست خود چند تقریرا بواسطه مختصر جرمی در
 تنور ثانوائی خود سوزانیده است در اثناء ذکر آن شخص و آثار بک و خیانتهای او یکی
 از مشاورین ملی گفتم این شخص بسیار سبب بی نظمی اسر نان طهران شده و نان بسیار
 است مغشوشی مردم میفرماید باید « مردم را از وجودش آسوده نمود » دو روز بعد
 که قدری دیر تر یاداره خود رفته بودم یکی از معاونین امیرایم اطلاع داد که « آن ثانوی
 معروف بر حسب آرزوی شما کشته شد » قیاس میزان تمیز و احساس نالم از این خند
 را بقارئین و میگذارم اصلاً شخص مزبور بنسب دیگری کشته شده بود اگر چه دو
 علت و مسبب کشته شدن آن شخص رای من هیچ مدخلیتی نداشت ولی مصمم شدم که
 آینده در اظهار خیالات خود با نام و احتیاط سخن رانم چون آن مرد بد قسمت
 شخص سفاکی بود که خون مردم را ریخته و بواسطه دزدیدن و غارت نمودن مال فقرا و
 غریبا مشمول شده و اکثر اوقات مردم را بی نان و یقوت گردانیده بود شاید باطنیه
 درباره مشارالیه ظلم و بی انصافی شده باشد ولی تاثیری که کشته شدن غیر منتظره
 آن شخص بدوست ایرانی من کرده بود نالم و زحمت زیادی بمن میداد از آن وقت به
 بعد نظم مسئله نان سهل تر گردید *

هصر بیست و نهم نوامبر در مجلس واقعه غریب فوق العاده اتفاق افتاد صحیح
 السلطنه رئیس الوزراء از منزل نایب السلطنه مجلس رفت تا کابینه جدیدی را که
 تشکیل داده معرفی نماید جزء اسامی وزراء اسم محترم السلطنه هم بود که تا نزد وزارت
 عدلیه شده بود اعضا مجلس که از دیر زمانی با انتخاب وزراء غیر معروف از طبقه وسطی
 عادت کرده بودند برخلاف آن کابینه شدند رئیس الوزراء برخلاف رای دوستانش
 یشرکت محترم السلطنه در کابینه باین جهت اسرار داشت که مشارالیه با مشاهیر اعضاء
 قونساخانه روس تعلقات عمیقہ دارا بود *

آن رئیس الوزراء سالخورده شروع بخواندن فهرست اسامی وزراء نمود چون باسم
 وزیر عدلیه رسید مابین هیئت مقدمه و کلا در باره رد و قبول مشارالیه بحث و
 مذاکره شد *

شاهزاده سلیمان میرزا «لیدر» (نماینده) حزب دیموکرات محل مخصوص نطق رفته و اظهار کرد اگرچه رئیس الوزراء ظرف اطمینان کامل و کلام میباشند: ولی حزب دیموکرات نمیتواند یکی از اعضاء کابینه سوهدار را بسمت وزارت پشنانسد در حالتیکه صداهای غضبناک و خشم آلوده احمدالپون بلند بود رئیس الوزراء محل مخصوص نطق رفته و تقریر سختی برخلاف حزب دیموکرات نمود مؤمن الملك رئیس مجلس رئیس الوزراء را مشابه نمود که بر حسب قوانین داخله مجلس قدری دلام و نرم باید گفتگو نماید باین جهت رئیس الوزراء تعرض نموده و از مجلس خارج گشت در حالتیکه با خود میگفت بختیار بیای خود را آورده و تمام دیموکراتها را بقتل خواهیم رسانید رئیس روحانین طهران برئیس مجلس و حزب دیموکرات حمله و تعرض نمود رئیس مجلس آن شخص را قسم داده و سه مرتبه امر بسکوت نمود در مرتبه سوم بواسطه مخالفت با قانون داخلی مجلس شخص مزبور مقصر و مستوجب حبس گردید و نتیجه کار با بجا رسید حیثت مجلس با آواز و همه متفرق شده و ذلت و حقارت آن جلسه پارلمان ایران ثبت اوراق تاریخ گردید *

آن پیش آمد و منظره هولناک اولتیا نوم روس پای تخت را بهرج و مرج و اهالیش را بچوش و خروش در آورد هیچ چیز جلوگیری از عناصر آن بلوای غیر منظم نمی نمود مگر ریاست نظامیه مسیویفم در این زمان عدد ژاندارمری خزانه هشتصد نفر بود که تقریباً همه آنها در طهران حاضر و مشق آموخته و بالوزم جنک و اسلحه کامل در تحت فرماندهی چهار نفر امریکائی بودند که سه نفر شان تازه وارد طهران شده بودند *

از این سعی و کوشش رئیس الوزراء بداخل نمودن خشم السلطنه در جرگه کابینه و تحویف و تهدید بکار بردن بختیاری برخلاف دیموکراتها برای ایشان بقین حاصل شد که سازش روسها بوزراء نیز تأثیر نموده و دولت مشروطه در معرض خطر است رئیس علاوالدوله که نحاشی و انکار از تأدیه مالیات ملکش نمود تا وقتیکه قوه حدریه ژاندارمره بکار رفت آشکار شد که با چند نفر از مشاهیر ارتجاعیین و مخالفین سلطنت جدید ایران صرمانه سازش نموده بود که از دولت روس خواهش کند تا تانیا محمد علی را بسلطنت ایران برقرار نماید پلیس نوشته چهاربه ایشان را که بدولت روس نوشته بودند گرفت در صورتیکه امضاء «امیر» و چند نفر دیگر داشت *

روز بعد از اظهار آن دو اولتیا نوم حسین قلی خان نواب و مسیویفم بملاقات من آمده و در آن باب مشورت نمودند من گفتم خوبست ایشان مجلس و کابینه اطلاع

دهند تا بهر تدبیری که بحال ایران مفید تر بوده و صلاح بداند بدون ملاحظه حال من و معاونین امریکائیم عمل کنند. از بعد از ظهر تا عصر همانروز و کلا پیش من آمده و مشورت نمودند. بهمه ایشان همین جواب را گفته و توضیح نمودم که هر اقدامی که دولت در تصفیه اصلاح این امر بکند برای نیکامی آینده من مفید و منتج اثر مهمی خواهد بود و از انصیحت هیجان و پروائی ندارم زیرا که بوعده خود وفا نموده و بهر اقدامی که مجلس در اینخصوص بکند حاضر و راضی خواهم بود *

صبح روز بعد یعنی اول دسامبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) وقتیکه اداره خود داخل شدم شنیدم که برنس علاءالدوله را در موقع بیرون آمدن از خانه خود سه نفر از بالا خانه مجاور با چند کلواه کشته و بعد از اندک زمانی سرد *

سعی دیگر برای کشتن مشیر السلطنه صدر اعظم محمد علی بود در حالی که سواره صبور میکرد بایش مجروح شده و برادرزاده اش که با وی بود کشته شد *

این اقدامات بدون شبهه نتیجه خیالات اعضاء اشجعتهای سردی طهران بود برای اینکه تصور نموده بودند که مجمع منظمی برای خفه کردن مشروطه ایران و رجوع پاستبداد و انتقام بتوسط محمد علی دائر شده. باین جهت اقدام بقتل ایشان نمودند فروختن این دسته از مخالفین مشهور دولت و مملکت خود را بروها خصومت و غضب احزاب ملی را زیاد تر نمود اعضاء انجمنهائی که در سنوات سابقه آتقدر نمایشهای با اهمیت مردانه داده و برای آزادی ایران اقدامات کافی مینمودند تا هنوز هم بکلی معدوم نشده و باقی بودند اگرچه بنظر ایشان دیگر خطری برای مشروطه نبود ولی بکلی متفرق و پراکنده نشده بودند ولی وقتیکه مشروطه دوچار خطر شد فوراً از جای خود جسته و بمرکت آمدند بیشتر اعضاء آن مجامع را فدائی مینامیدند و در هر حال و هر موقع برای دفاع و مقابله با خصم خود که مانع از پیشرفت خیالاتشان بود آماده بودند *

نتیجه قتل برنس علاءالدوله خیلی بزرگ بود قبل از آنکه اثر وحشتناک آن قتل آرام بخورد وحشت و اضطراب تمامی در دلهای اعیان و مأمورین دولتی پیدا شده که هم بر ایشان و هم بر سایرین بخوبی واضح میشد زیرا که نفس لوامه شان در اداء وظیفه حقوق وطن خود یاک نبود *

وقتیکه صمصام السلطنه خبر قتل دوست خود برنس را شنید بی اختیار اشکش جاری شده و بچودانه قسم خورد که ریشه اشخاصی که یقین بارتکابشان داشت از بیخ